



بیماران قلب و دیابت؛

بیشترین قربانیان کرونا در کشور



تا کنون ۸۰ درصد جان‌باخته‌گان بر اثر ویروس کرونا در کشور، مردان بوده‌اند. وزارت صحت عامه با تایید این خبر، می‌گوید که از مجموع مبتلایان به ویروس کرونا، ۵۲ درصد افراد در رده سنی ۲۰ تا ۳۹ ساله قرار دارند، اما بیش‌تر از ۴۶ درصد قربانیان کرونا در رده سنی ۵۰ تا ۶۹ ساله بوده‌اند. بنا بر گفته مسوولان این وزارت، بیماری‌های قلبی و دیابت تاثیر زیادی بر مرگ‌ومیر مبتلایان داشته است. در همین حال متخصصان انتانی به این باور اند که مردان به دلیل حضور بیش‌تر اجتماع، بیش‌تر در معرض ویروس کرونا قرار گرفته و سهم بیش‌تری را از مجموع آمار مبتلایان به کرونا به خود اختصاص داده‌اند. تفاوت‌های ژنتیکی و فعالیت بهتر نیروی دفاعی بدن زنان نسبت به مردان هم مولفه دیگر تاثیرگذار از دید متخصصان انتانی است.

جوانان بیش‌ترین مبتلایان به کرونا بر اساس گزارش وزارت صحت عامه افغانستان تا کنون از مجموع افراد مشکوک به کرونا در کشور، از ۵۵ هزار و ۹۸۱ نفر نمونه جمع‌آوری شده که از این میان ۲۴ هزار و ۷۶۶ مورد مثبت بیماری کووید-۱۹ به ثبت رسیده است. سهم مردان از این رقم بزرگ، ۷۳،۴ درصد است و زنان با درصدی ۲۶،۶ جایگاه بعدی را از آن خود کرده‌اند.



دوچه میزبان نشست آغازین؛

گفت‌وگوها برای تعیین میزبان اصلی مذاکرات بین‌افغانی هنوز ادامه دارد

اصلاحات ساختاری و تشکیلاتی پولیس؛ سنگ بنای امنیت اجتماعی

بحث جدی در امر مبارزه با ناامنی در قدم نخست به وزارت داخله و منسوبان آن ربط می‌گیرد، چرا که ساختار و تشکیلات سالم، سنگ بنای امنیت اجتماعی به شمار می‌آید. از این روی، مبارزه موثر در عرصه تامین امنیت نیازمند بازنگری پالیسی و اصلاح مقررها و لوائح وظایف منسوبان این نهاد امنیتی است.



جواب ایران را باید با دیپلماسی داد



«ژئوپولیتیک خطرآفرین»؛ مروری بر کتاب سایه‌های ماندگار کابل

نویسنده‌ی این کتاب، مایکل باری، استاد فرهنگ اسلامی در بخش مطالعات شرق نزدیک در دانشگاه پرستن است. او از سال ۱۹۸۰ تا اکنون به صورت مستقیم درگیر حوادث افغانستان بوده است و فراز و فرود کنش‌های سیاسی و...

صالح: محو کثرت‌گرایی ناممکن است، خدا عضو شورای طالبان نیست

۸ صبح، کابل: امرالله صالح، معاون اول ریاست جمهوری می‌گوید که صلح به «افراط‌گرایان» خشونت‌افروز نایت خواهد کرد که محو کثرت‌گرایی ناممکن است و خدا عضو شورای طالبان نیست. معاون اول ریاست جمهوری روز یکشنبه، بیست‌وپنجم جوزا در توییتی نوشته است: «صلح به افراط‌گرایان خشونت‌طلب ثابت می‌کند که چشم‌پوشی از کثرت‌گرایی ممکن نیست و خدا عضوی از شورای طالبان نیست.»

امرالله صالح روز شنبه با استیفاو پونتیکورو، نماینده غیرنظامی ناتو در مورد صلح گفت‌وگو کرده است. نماینده‌ی ناتو در افغانستان خبر این دیدار را در برگه تویترش هم‌رسانی کرده و گفته است که از تعهد جدی دولت افغانستان به روند صلح افغانستان در این مقطع مهم تاریخی استقبال می‌کند.

معاون ریاست جمهوری با بازنشر این توییت گفته است که جمهوریت پیروز میدان است و «قاتلانی که به نام خدا مردم را قتل عام می‌کنند، باید توبه کنند و اعتقادات مخدوش خودشان را اصلاح کنند.»

امرالله صالح از چهره‌های بلندپایه دولت افغانستان است که همواره موضع تند در قبال طالبان داشته است و این گروه را «مبدع و مبتکر» حمله‌های انتحاری، تروریستی و زمینه‌ساز خشونت در کشور می‌داند.

نماینده غیرنظامی ناتو در افغانستان در گفت‌وگو با امرالله صالح که از طریق کنفرانس ویدیویی صورت گرفته، تأکید کرده است که باید روی شروع مذاکرات بین‌افغانی مشروط به کاهش خشونت تمرکز شود.

این در حالی است که مقام‌های بلندپایه حکومتی و امریکایی می‌گویند که مذاکرات بین‌افغانی در آینده نزدیک شروع خواهد شد.

از جانب دیگر، سخنگویان شورای امنیت ملی و وزارت امور داخله روز یکشنبه، بیست‌وپنجم جوزا در یک نشست خبری اعلام کردند که خشونت‌ها از سوی گروه طالبان افزایش یافته است.

اشتباه لفظی سلطان‌زوی؛

شهرداری: ۱۱۵ میلیارد نه، ۱۰۱۵۰ میلیارد بود



۸ صبح، کابل: شهرداری کابل با نشر اطلاعیه‌ای در مورد سخنان اخیر داوود سلطان‌زوی شهردار کابل در مورد مصرف پول برای توزیع نان به نیازمندان در شهر کابل وضاحت داد.

طبق اعلام شهرداری کابل، آقای سلطان‌زوی به تازه‌گی در یک مصاحبه‌ی تلویزیونی پول مصرف شده برای توزیع نان به نیازمندان در شهر کابل را به جای یک میلیارد و ۱۵۰ میلیون افغانی، ۱۱۵ میلیارد افغانی گفته است.

شهرداری کابل گفته است به علت این‌که سلطان‌زوی اجراکننده عمومی برنامه بود و در «موارد پولی» برنامه توزیع نان دخالت نداشته است، دچار این «اشتباه لفظی» شده است.

سخنان شهردار کابل اما در شبکه‌های اجتماعی بازتاب گسترده داشته است و بسیاری‌ها مصرف ۱۱۵ میلیارد افغانی برای تهیه نان به نیازمندان در کابل را غیرقابل باور خوانده‌اند. کاربران گفته‌اند که شهردار کابل باید در مورد مصرف این مبالغ هنگفت پاسخگو باشند.

شهرداری کابل اما می‌گوید دخالتی در موارد تدارکاتی روند توزیع نان خشک نداشته است و صرف به دلیل اشتباه لفظی شهردار هزینه این برنامه ۱۱۵ میلیارد اعلام شده است.

شهرداری کابل روند توزیع نان را در دهم ثور آغاز کرد و این برنامه تا دهم جوزا ادامه داشت.

درگیری در ولسوالی قیصار فاریاب؛ دو نیروی امنیتی و چهار طالب کشته شدند

۸ صبح، کابل: ارتش در شمال اعلام کرد که در نتیجه درگیری بین نیروهای امنیتی و جنگ‌جویان گروه طالبان در ولسوالی قیصار فاریاب، دو نیروی امنیتی و چهار طالب کشته شده‌اند.

حنیف رضایی، سخنگوی قول اردوی ۲۰۹ شاهین در شمال روز یکشنبه، بیست‌وپنجم جوزا، به روزنامه ۸ صبح گفت که این درگیری پس از آن شروع شد که گروه طالبان به مواضع نیروهای امنیتی در روستاهای ارکلیک، ینگ‌پایان و بلال بیک ولسوالی قیصار حمله کرد.

این درگیری‌ها ساعت ۲:۰۰ بامداد روز یکشنبه آغاز شده و تا ساعت ۵:۰۰ بامداد ادامه داشته است.

رضایی گفته است که در نتیجه درگیری‌ها چهار عضو گروه طالبان که مربوط دسته ملا ناظم بودند، کشته شده و هفت عضو دیگر این گروه زخمی شده‌اند.

به گفته او، در این درگیری دو نیروی امنیتی نیز کشته شده‌اند و یک غیرنظامی دیگر زخمی شده است.

ولسوالی قیصار در ۶۲ کیلومتری شهر میمنه، مرکز ولایت فاریاب موقعیت دارد.



روایتی از شفاخانه‌ی «کووید شماره یک» هرات



برای بازدید از شفاخانه‌ی «کووید شماره یک» هرات، جایی که بیماران کووید-۱۹ با وضعیت وخیم نگهداری می‌شوند، راهی این مرکز درمانی شدم. شفاخانه‌ای که چند کیلومتر آن‌سوتر از مرکز شهر، در حومه‌ی شرقی هرات، موقعیت دارد. پیش از پیدا شدن سروکله‌ی کرونا...

آتش بس اعلام ناشده نباید قطع گردد

گروه طالبان با فرا رسیدن ایام عید اعلام آتش بس کردند؛ این اقدام آن‌ها بیش از همه از جانب مردم افغانستان با استقبال روبه‌رو شد. طالبان حتا به تداوم آتش بس اعلام ناشده پس از عید نیز تاکید کردند، اما حکومت افغانستان می‌گوید که این گروه برخلاف تعهداتش خشونت را افزایش داده است. حکومت افغانستان می‌گوید که جانب آن‌ها در سه روز عید به تعهداتش وفادار مانده و در حالت دفاع فعال قرار داشته است. سخنگوی شورای امنیت ملی در نشست خبری گفت که طالبان پس از اعلام آتش بس در روزهای عید خشونت را افزایش داده‌اند.

در دیدارهایی که محمدشرف غنی با زلمی خلیل‌زاد داشت، بر تداوم آتش بس اعلام ناشده تاکید کرد، اما سخنگوی وزارت داخله گفته است که طالبان پس از امضای توافق‌نامه صلح با امریکا، حملات‌شان بر مواضع نیروهای امنیتی و تاسیسات ملکی را افزایش داده‌اند. به گفته او طالبان پس از امضای توافق‌نامه صلح حدود ۳۵۰۰ حمله را به شمول ۵۴۱ انفجار ماین کنار جاده‌ای، حملات انتحاری، ماین‌های جاسازی شده و انفجار موترهای بمب‌گذاری شده را انجام داده‌اند که در کنار نیروهای امنیتی شمار زیاد غیرنظامی نیز بر اثر این حملات جان باخته‌اند.

اداره مستقل ارگان‌های محلی نیز بیان کرده است که طالبان در یک هفته اخیر ۵۱ پل را در ولایت‌های پکتیا، قندهار و پکتیکا با استفاده از ماین تخریب کرده‌اند. سخنگوی این اداره گفت که طالبان در حالی به تخریب این پل‌ها اقدام کرده‌اند که ادارات محلی در نبردی سخت با بیماری مدهش کرونا قرار دارند و مردم آن مناطق به کمک شدید حکومت نیازمند اند. این در حالی است که گروه طالبان افزایش خشونت‌ها را رد کرده است. سخنگوی این گروه به روزنامه ۸ صبح گفته است که جنگ‌جویان این گروه حملات‌شان بر مواضع نیروهای امنیتی را پس از امضای توافق‌نامه صلح با امریکا کاهش داده‌اند. او دلیل کاهش این حملات را نشان دادن حسن نیت طالبان عنوان کرده است. سخنگوی این گروه به ۸ صبح هم‌چنان گفته است که این گروه به برقراری صلح متعهد بوده و حملات‌شان را بر شهرها و قرارگاه‌های نظامی متوقف کرده است. بر همه معلوم است که صلح و پایان جنگ آرزوی دیرینه مردم افغانستان است. عقب‌مانده‌گی اقتصادی و وابسته ماندن افغانستان به کمک‌های کشورهای دیگر، علتی جز جنگ ندارد. پایان جنگ در افغانستان به معنای آغاز توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. هرچند حکومت افغانستان و گروه طالبان در روزهای اخیر با رهاسازی زندانیان توانسته‌اند حسن نیت‌شان را برای رسیدن به صلح نشان دهند، اما این کوچک‌ترین کار ممکن است. مردم افغانستان در روزهای اخیر شاهد حملات خونینی در شهر کابل و سایر شهرهای افغانستان بوده‌اند، از جمله به اماکن و تاسیسات عامه تا حمله به مساجد و کشتن ملامام‌ها امید مردم افغانستان به صلح را کم‌تر ساخته است. هرچند طالبان به گونه رسمی نسبت این حملات با گروه‌شان را رد کرده‌اند، اما با توجه سابقه انجام چنین حملاتی از جانب آن‌ها، دشوار است چنین حملاتی با طالبان نسبت داده نشود.

پس اگر طالبان می‌خواهند تا مردم بی‌بانه‌های آن‌ها را باور کنند و مسوولیت چنین حملاتی نیز بر دوش آن‌ها نیفتد، باید با قطع کامل عملیات نظامی و اعلام آتش بس قطعی حسن نیت‌شان را برای رسیدن به صلح نشان دهند. چیزی که معلوم است این است که تمام آنانی که در جنگ کشته می‌شوند، خانواده‌ای سوگوار را برجا می‌گذارند. مردم افغانستان از جنگ خسته‌ند و سال‌ها است بار طاقت‌فرسای جنگ و پی‌آمدهای ناگوار آن را تجربه می‌کنند. طالبان بهتر است به جای میدان جنگ در شرایط کنونی در روی میز مذاکرات حرف‌های‌شان را بزنند.

وقتی حکومت از آتش بس قطعی سخن می‌گوید و طالبان تنها با گفتن کاهش خشونت‌ها بسنده می‌کنند، معلوم است که مسوولیت چنین عملیاتی بردوش آن‌ها می‌افتد. طالبان در کنار اقداماتی که در مسیر مذاکرات صلح تاکنون انجام داده‌اند، تنها با اعلام موضع روشن‌تر و قطعی‌تر و پایان کامل حملات‌شان و تداوم آتش بس اعلام ناشده می‌توانند نیت‌شان را برای رسیدن به صلح و پایان خشونت‌ها نشان دهند.

فعالان مدنی کندز: مصرف بودجه مبارزه با ویروس کرونا غیرموثر، ناعادلانه و غیرشفاف بوده است



۸ صبح، کابل: شماری از فعالان مدنی و اعضای شورای ولایتی کندز می‌گویند که بودجه مبارزه با ویروس کرونا برای این ولایت به صورت موثر، عادلانه و شفاف به مصرف نرسیده و اداره محلی نیز از چگونگی مصرف آن به مردم گزارش نداده است. حکومت برای ولایت کندز ۱۰۰ میلیون افغانی بودجه برای مبارزه با ویروس کرونا در نظر گرفته است. آن‌ها از وزارت صحت عامه خواسته‌اند که یک هیأت را به کندز اعزام کند تا عمل‌کردهای مسوولان در امر مبارزه با ویروس کرونا در این ولایت را بررسی کند.

فعالان مدنی و اعضای شورای ولایتی کندز روز یکشنبه، بیست‌وپنجم جوزا، در یک نشست خبری اعلام کردند که مدیریت ضعیف، بی‌برنامگی و نبود هم‌آهنگی بین ادارات دخیل، سبب شده است که بودجه مبارزه با ویروس کرونا در ولایت کندز در جریان سه ماه گذشته به گونه‌ی موثر، عادلانه و شفاف به مصرف نرسد.

یکی از انتقادهایی که از سوی اعضای شورای ولایتی و فعالان مدنی کندز علیه اداره محلی مطرح شده است، پاسخ‌گو نبودن مقام‌های ولایت کندز به مردم از مصرف بودجه مبارزه با ویروس کرونا است.

اعضای شورای ولایتی و فعالان مدنی کندز رهبری ولایت، ریاست صحت عامه و مؤسسه «جک» طرف قرارداد ارائه خدمات صحتی در شفاخانه کووید-۱۹ در ولایت کندز را به نداشتن آگاهی و مسوولیت‌پذیر نبودن در امر مبارزه با ویروس کرونا و عرضه خدمات صحتی با کیفیت متهم می‌کنند. به باور منتقدان، این امر حیات کارمندان صحتی و بیماران را به خطر انداخته و سبب بی‌اعتمادی مردم به سکتور صحت شده است.

بی‌توجهی در تجهیز شفاخانه کووید-۱۹ در کندز از دیگر انتقاداتی است که از سوی فعالان مدنی و اعضای شورای ولایتی کندز مطرح شده

است.

فعالان مدنی کندز از جانب دیگر می‌گویند که نبود مرکز تشخیص بیماری کووید-۱۹ در کندز که به عنوان مرکز زون ولایت‌های شمال شرق شناخته می‌شود، به گسترش دامنه شیوع ویروس کرونا سرعت بخشیده است.

این فعالان مدنی از حکومت مرکزی خواسته‌اند که برای رفع نارسایی‌ها در اداره محلی کندز، برای این ولایت بر اساس تخصص و شایستگی یک «والی مقتدر» تعیین کند تا به این چالش‌ها رسیده‌گی شود.

فعالان مدنی و شورای ولایتی کندز از وزارت صحت عامه نیز خواسته‌اند که هیأتی را برای بررسی کارکردهای ریاست صحت عامه، شفاخانه کووید-۱۹ و طرف‌های دیگر قرارداد این شفاخانه از جمله موسسه جک به ولایت کندز اعزام کند. آن‌ها از اداره محلی کندز نیز خواسته‌اند که اطلاعات در مورد کارکردهایش و نتایج آن را با مردم در میان بگذارد.

فعالان مدنی و شورای ولایتی کندز از مؤسسه‌هایی که مسوولیت عرضه خدمات صحتی را در کندز برعهده دارند نیز خواسته‌اند که هرچه زودتر شفاخانه کووید-۱۹ این ولایت را تجهیز کنند.

اعضای شورای ولایتی کندز و فعالان مدنی این ولایت تهدید کرده‌اند، در صورتی که خواست‌های‌شان نادیده گرفته شوند، دست به اعتراضات گسترده مردمی خواهند زد.

آمار رسمی وزارت صحت عامه نشان می‌دهد که تاکنون ۱۹۲ نفر در ولایت کندز مبتلا به ویروس کرونا شناسایی شده‌اند. این آمار در نتیجه آزمایش ۵۰۹ نمونه مشکوک به کرونا به دست آمده است. برخی از داکنتران باور دارند که با توجه به محدودیت نمونه‌گیری در کندز، شمار واقعی مبتلایان به مراتب بیش‌تر از رقم اعلام شده است. تا کنون شش بیمار کووید-۱۹ در کندز جان باخته‌اند.

انفجار در ننگرهار یک کشته و سه زخمی برجای گذاشت

۸ صبح، کابل: مقامات ننگرهار می‌گویند که در نتیجه انفجار ماین در این ولایت یک غیرنظامی کشته شده و سه غیرنظامی دیگر زخم برداشته‌اند.

عطاءالله خوگیانی، سخنگوی والی ننگرهار به روزنامه ۸ صبح که این انفجار ساعت ۸:۳۰ صبح روز یکشنبه، بیست‌وپنجم جوزا در پیش روی ریاست گمرک ننگرهار صورت



والی فاریاب: با ورود ویروس کرونا به هر خانه، مردم باید با روحیه قوی در برابر این ویروس مقاومت کنند



۸ صبح، کابل: والی فاریاب می‌گوید که ویروس کرونا وارد خانه‌ها شده است و اکنون باید مردم در برابر این ویروس با روحیه قوی مقاومت کنند. نقیبالله فایق، والی فاریاب تاکید کرده است که مرحله فلاکت ناشی از کرونا فرا رسیده است و در چنین حالتی قرنطین شهر سودی ندارد.

آقای فایق که حدود دو هفته پیش به ویروس کرونا مبتلا شده بود، روز شنبه، بیست‌وچهارم جوزا، با اعلام این‌که صحت‌یاب شده است، هژدهمین نشست کمیته ولایتی مبارزه با ویروس کرونا را ریاست کرد.

والی فاریاب در این نشست گفته است: «اکنون از مرحله قرنطین گذشته‌ایم چون ویروس به اکثریت خانه‌ها راه یافته و روزانه ده‌ها تن را قربانی می‌گیرد و در حال سپری کردن سخت‌ترین روزها می‌باشیم این مصیبت همه‌گیر شده است حالا باید با روحیه قوی با این ویروس مقاومت کنیم.»

نقیبالله فایق از جانب دیگر گفته است که تهدیدات بلند ویروس کرونا تا حدود سه هفته دیگر ادامه خواهد یافت و ممکن پس از سپری شدن این مدت، احتمال ابتلا به آن کاهش بیابد.

او تاکید کرده است که تمامی هتل‌ها، سالن‌های ورزشی و پارک‌های تفریحی بسته است و برگزاری مراسم عروسی، فاتحه خوانی، گردهم‌آیی‌های فرهنگی و تجمع بیش از ۱۰ نفر ممنوع است.

به گفته نقیبالله فایق، طبق فیصله کمیته ملی مبارزه با ویروس کرونا، پوشیدن ماسک در بازار اجباری است و فعالیت موترهایی که بیش از چهار سرنشین را حمل می‌کند، متوقف خواهد شد.

والی فاریاب گفته است که در حال حاضر فاریاب با نبود آکسیجن روبه‌رو است.

او از جانب دیگر گفته است که زایشگاه شهر میمنه که در حال حاضر به بیماران کووید-۱۹ اختصاص داده شده است، با تجهیزات بیش‌تر دوباره فعالیت عادی‌اش را از سر می‌گیرد.

والی فاریاب افزایش قیمت دارو را یک چالش جدی عنوان کرده و خواستار نظارت بر آن شده است.

طبق آخرین آمار وزارت صحت عامه، در فاریاب ۱۸۹ نفر به ویروس کرونا مبتلا شده‌اند. هم‌چنان ۱۰ بیمار کووید-۱۹ جان باخته‌اند.

طالبان دو باشند بدخشان را در کندز تیرباران کردند

۸ صبح، کابل: پولیس بدخشان می‌گوید که گروه طالبان دو باشند این ولایت را صبح روز یکشنبه، بیست‌وپنجم جوزا در ولسوالی خان‌آباد کندز تیرباران کرده است.

ثناالله روحانی، سخنگوی پولیس بدخشان به روزنامه ۸ صبح گفت که این افراد در یک موتر مسافری نوع «۴۰۴» از بدخشان به سوی کابل در حرکت بودند که در مسیر خان‌آباد کندز با «چیک‌پاینت» گروه طالبان روبه‌رو شدند.

روحانی افزود که طالبان این دو نفر را از موتر پیاده و تیرباران کرده‌اند.

سخنگوی پولیس بدخشان گفت که بر اساس گزارش‌ها طالبان یک نفر دیگر را نیز با خود برده‌اند. ثناالله روحانی گفت که تا کنون مشخص نشده است دو جوانی که از سوی گروه طالبان تیرباران شده‌اند، عضو نیروهای امنیتی بوده‌اند یا خیر. گروه طالبان تاکنون در این مورد چیزی نگفته است.

دوچه میزبان نشست آغازین؛ گفت و گوها برای تعیین میزبان اصلی مذاکرات بین‌الافغانی هنوز ادامه دارد

ارگ ریاست جمهوری می‌گوید که با قطر به عنوان میزبانی نشست آغازین مذاکرات بین‌الافغانی موافقت کرده است. قرار است این نشست



حسب‌بهن

به شکل کنفرانس برگزار شود و پس از آن، هیأت مذاکره‌کننده دو طرف بحث روی اجندای مذاکرات را به گونه رسمی و مستقیم آغاز کنند. با وجود اعلام آماده‌گی‌های دو طرف اما تکلیف میزبان اصلی مذاکرات مستقیم روشن نیست. منابعی آگاه از روند صلح می‌گویند که بحث روی تعیین میزبان این مذاکرات هنوز ادامه یافته و به این ترتیب، زمان و مکان آن به زودی مشخص می‌شود. حکومت پیش‌تر آلمان و اوزبیکستان را به عنوان گزینه میزبانی در نظر داشت، اما دیدار اخیر نماینده ویژه وزیر خارجه دولت قطر با سران حکومت و اعضای دفتر سیاسی طالبان در آن کشور، دوچه را وارد گزینه‌های اصلی میزبانی مذاکرات کرده است.

تنها سه روز پس از دیدار نماینده ویژه وزیر خارجه دولت قطر با سران حکومت در کابل، دوچه به عنوان میزبان مراسم آغازین مذاکرات بین‌الافغانی اعلام شد. صدیقی صدیقی، سخنگوی ارگ ریاست جمهوری روز یکشنبه، بیست‌وپنجم جوزا در صفحه توئیترش تأیید کرد که حکومت افغانستان با قطر در مورد میزبانی نشست آغازین مذاکرات بین‌الافغانی موافقت کرده، اما به گفته وی، هنوز توافقی در باره محل برگزاری مذاکرات مستقیم صورت نگرفته است. این در حالی است که یک منبع پیش‌تر گفته بود که دور اول مذاکرات بین‌الافغانی در قطر برگزار می‌شود. گفتنی است که از اوزبیکستان، آلمان، قطر، اندونیزیا و ناروی به عنوان گزینه‌های میزبانی مذاکرات مستقیم برای گفت‌وگوی هیأت مذاکره‌کننده دو طرف نام برده می‌شود.

یک منبع آگاه پیش از این در گفت‌وگو با ۸ صبح تصریح کرده است که مذاکرات بین‌الافغانی با یک کنفرانس آغاز می‌شود و در آن، نماینده‌گان دو طرف به گونه رسمی این مذاکرات را ادامه خواهند داد. با این حال، روی اجندای مذاکرات



شود، اما گفت‌وگوها پیرامون این مورد نهایی نشده است. در صورتی که بخشی از مذاکرات بین‌الافغانی به شکل مقدماتی برگزار شود، شمار محدودی از نماینده‌گان دو طرف روی میز مذاکره خواهند نشست، اما در مذاکرات عمومی، اعضای هیأت مذاکره‌کننده دو طرف با ترکیب کامل در مذاکرات اشتراک می‌کنند.

حکومت در حالی از میزبان نشست آغاز مذاکرات بین‌الافغانی پرده برمی‌دارد که هنوز تکلیف‌رهایی دو هزار زندانی طالب مشخص نشده است. پیش‌تر طالبان با استناد بر مواد موافقت‌نامه صلح دوچه خواستار رهایی کامل پنج هزار زندانی‌شان پیش از مذاکرات بین‌الافغانی شده و تصریح کردند که در غیر آن، پا به میز مذاکره نخواهند گذاشت. گفتنی است که زلمی خلیل‌زاد، فرستاده ویژه امریکا برای صلح افغانستان برای تسریع این روند و تسهیل رهایی زندانیان دو طرف، در جریان هفته گذشته با اعضای دفتر سیاسی طالبان در قطر، مقامات پاکستانی و سران حکومت، دیدارهایی داشت که سرانجام به تصمیم ارگ ریاست جمهوری پیرامون رهایی دو هزار زندانی منجر شد.

محمدشرف غنی شام روز پنجشنبه، بیست‌ودوم جوزا در نشست آنلاین سازمان تحقیقاتی اتلانتیک کانسل - امریکا، اعلام کرد که دو هزار زندانی گروه طالبان آزاد می‌شوند و زمان دقیق آن در خلای یک هفته روشن خواهد شد. پیش‌تر حکومت بر رهایی دو هزار زندانی طالب در جریان مذاکرات بین‌الافغانی تأکید داشت که منجر به تأخیر در مذاکرات بین‌الافغانی شد. منابع دخیل در روند صلح پیش از این گفته‌اند که با آغاز مذاکرات بین‌الافغانی، دو طرف در جریان گفت‌وگوهای مستقیم، آتش‌بس اعلام نشده را به اجرا خواهند گذاشت.

مشترک هیأت مذاکره‌کننده دو طرف است. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی این گروه به ۸ صبح گفت که کشورهای متعددی خواستار میزبانی این گفت‌وگوها شده که «قابل تحسین است»، اما به گفته وی، میزبان اصلی بر اساس فیصله دو تیم و متناسب به مسایل تخنیک، پروازها و شرایط کرونایی تعیین خواهد شد. سخنگوی گروه طالبان افزود که صحبت‌ها در مورد مکان گفت‌وگوها پیش از وقت است و با نزدیک شدن این گفت‌وگوها، محل مذاکرات افغانی نه بر اساس تقاضای گروه طالبان، بل که با توافق دو طرف انتخاب خواهد شد.

پیش‌تر طالبان گفته بودند که در صورت رهایی کامل زندانیان، هیأت این گروه در خلای یک هفته برای مذاکرات مستقیم با هیأت مذاکره‌کننده حکومت آماده می‌شوند. به گفته یک منبع آگاه از روند صلح، این مذاکرات قرار است در دو بخش مقدماتی و عمومی پی‌گیری

مستقیم قرار است در جریان گفت‌وگوها بحث شود. هیأت مذاکره‌کننده حکومت اما می‌گوید که اعضای هیأت که روی مسایل مهم گفت‌وگوهای درونی داشته و برای این مذاکرات آماده‌اند. محمد ناطقی، عضو هیأت مذاکره‌کننده گفت هیأت جانب دولت در جریان سه ماه برای مذاکرات بین‌الافغانی آماده‌گی گرفته‌اند و روی ماهیت، محتوا و اهداف بحث شده است. وی افزود که بحث روی شکلیات مذاکرات، از جمله زمان و مکان گفت‌وگوهای مستقیم ادامه یافته، اما هنوز جمع‌بندی نشده است.

آقای ناطقی هر چند می‌گوید که زمان، مکان و چگونه‌گی مذاکرات به زودی و در خلای روزهای معدود، روشن می‌شود، اما تصریح کرد که با وجود جدی، کلان و پیچیده بودن روند صلح، هیأت مذاکره‌کننده حکومت برای آن آماده‌گی کامل دارد. هم‌زمان با این، گروه طالبان می‌گویند که تعیین مکان مذاکرات مستقیم نیازمند توافق

بیماران قلب و دیابت؛

بیش‌ترین قربانیان کرونا در کشور

تا کنون ۸۰ درصد جان‌باخته‌گان بر اثر ویروس کرونا در کشور، مردان بوده‌اند. وزارت صحت عامه با تأیید این خبر، می‌گوید که از مجموع مبتلایان به ویروس کرونا، ۵۲ درصد افراد در رده سنی ۲۰ تا



سیدحسن حسینی

۳۹ ساله قرار دارند، اما بیش‌تر از ۴۶ درصد قربانیان کرونا در رده سنی ۵۰ تا ۶۹ ساله بوده‌اند. بنا بر گفته مسوولان این وزارت، بیماری‌های قلبی و دیابت تأثیر زیادی بر مرگ‌ومیر مبتلایان داشته است. در همین حال متخصصان انتانی به این باور اند که مردان به دلیل حضور بیش‌تر اجتماع، بیش‌تر در معرض ویروس کرونا قرار گرفته و سهم بیش‌تری را از مجموع آمار مبتلایان به کرونا به خود اختصاص داده‌اند. تفاوت‌های ژنتیکی و فعالیت بهتر نیروی دفاعی بدن زنان نسبت به مردان هم مؤلفه دیگر تأثیرگذار از دید متخصصان انتانی است.

جوانان بیش‌ترین مبتلایان به کرونا

بر اساس گزارش وزارت صحت عامه افغانستان تا کنون از مجموع افراد مشکوک به کرونا در کشور، از ۵۵ هزار و ۹۸۱ نفر نمونه جمع‌آوری شده که از این میان ۲۴ هزار و ۷۶۶ مورد مثبت بیماری کووید-۱۹ به ثبت رسیده است. سهم مردان از این رقم بزرگ، ۷۳،۴ درصد است و زنان با درصدی ۲۶،۶، جایگاه بعدی را از آن خود کرده‌اند.

وزارت صحت عامه کشور تأیید کرده که گروه سنی



جان‌باخته‌گان را شکل می‌دهند. بر اساس یافته‌های وزارت صحت، بیماری‌های زمینه‌ای دلیل اصلی و بزرگ‌ترین علت مرگ کسانی است که در رده سنی بالا قرار دارند.

جدی‌نگرفتن کرونای خطر آفرین

داده‌های اطلاعاتی وزارت صحت عامه نشان می‌دهد که تا کنون از مجموع ۴۷۱ فوتی به دلیل ابتلا به کرونا، ۲۶ درصد جان‌باخته‌گان بیماری قلبی داشته و ۱۸ درصد فوتی‌ها از دیابت یا قند خون بالا رنج می‌برده‌اند. همین داده‌ها حاکی از آن است که بیماری‌های کلیه، کبد و مشکل تنفسی هم درصدی کم‌تری از مجموع کل فوتی‌ها را به خود اختصاص

۲۰ تا ۳۹ ساله با ۵۲ درصد ابتلا، بیش‌ترین موارد مثبت به کرونا را در کشور از آن خود کرده است. دلیل ابتلای زیاد افراد جوان به بیماری کرونا در افغانستان، از دید وزارت صحت عامه کشور، در جوان بودن رده سنی ساکنان کشور نهفته است.

وزارت صحت عامه کشور می‌گوید که تا کنون ۴۷۱ نفر به دلیل ابتلا به بیماری کووید-۱۹ در کشور جان باخته‌اند. سهم مردان از این عدد، ۳۷۷ نفر یا ۸۰ درصد و سهم زنان ۹۴ نفر یا ۲۰ درصد است. دکتر محمدجمال‌الدین احدی، رئیس سرویلاس وزارت صحت عامه کشور، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که بیش‌ترین آمار فوتی‌ها مربوط به افراد گروه سنی بین ۵۰ تا ۶۹ ساله است که ۴۶،۷ درصد مجموع

داده‌اند.

رئیس مرکز سرویلاس وزارت صحت عامه می‌گوید برخی افراد سالم هم که تا حالا در پی ابتلا به کووید-۱۹ جان باخته‌اند، هیچ بیماری قبلی یا زمینه‌ای نداشته‌اند. به گفته وی، دیر رسیدن به مرکز درمانی، تغذیه ناسالم، نخوردن مایعات به حد لازم و جدی‌نگرفتن بیماری کووید-۱۹ از دلایل تأثیرگذار بر جان باختن کسانی است که بیماری زمینه‌ای نداشته‌اند.

آمار بالای مبتلایان مرد و تناسب بیش‌تر مرگ‌ومیر مردان نسبت به زنان از دید آگاهان امور بهداشتی ریشه در حضور بیش‌تر مردان در معرض ویروس کرونا و قدرت دفاعی ژنتیکی زنان نسبت به مردان دارد. فرهاد صارم، متخصص امراض انتانی، به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که برآوردهای جهانی هم حاکی از آن است که مردان نسبت به زنان سیستم بدنی ضعیف‌تری دارند و در کنار حضور بیش‌تر مردان نسبت به زنان در اجتماع، مردان بیش‌تر آسیب‌پذیر اند. وی می‌افزاید که برای دور ماندن مردان از گزند ویروس کرونا، رعایت فاصله اجتماعی و مدنظر گرفتن اصول بهداشتی می‌تواند ابزار خوبی باشد.

نبرد وزارت صحت عامه و کرونا

در روزهای اخیر وزارت صحت عامه کشور برای کاهش میزان مرگ‌ومیر افراد مبتلا به بیماری کووید-۱۹، تلاش کرده که علاوه بر مراکز درمانی دولتی، مراکز درمانی خصوصی را هم دخیل کند. در روز قبل وزارت صحت عامه اعلام کرد که برای مبارزه با ویروس کرونا، علاوه بر تدابیر دولتی، نیاز است که مراکز درمانی خصوصی هم وارد عمل شوند. این تصمیم پس از آن گرفته شد که بنا بر آمارهای رسمی، در روزهای اخیر موج مبتلایان به ویروس کرونا در کشور رو به افزایش گذاشته است.

کبير کامگار

ماه‌های اخیر شاهد وقوع رویدادهای ناگواری برای افغان‌ها در ایران بوده‌ایم. حادثه سرنگونی طیاره مسافربری اوکراینی توسط سپاه پاسداران ایران در ۱۸ جدی سال گذشته جان چندین افغان را نیز گرفت. تا کنون ایران پاسخ درستی به این واقعه نداده و به خانواده قربانیان افغان غرامت نپرداخته است. در ۱۲ ثور امسال، ۵۷ تن افغان‌هایی که برای کار به ایران رفته بودند توسط مرزبانان ایران اول زندانی و سپس مجبور شدند تا از رودخانه هریرود که به اثر سیلاب، بیش از حد آب داشت، بگذرند که در نتیجه آن ۴۷ تن کشته شدند و تعداد اندکی از آن‌ها نجات یافتند. قربانیان شامل چندین کودک ۱۰ تا ۱۲ ساله نیز بود. و در روز ۱۴ جوزای امسال، یک موتر حامل مهاجرین افغان مورد شلیک سربازان ایرانی قرار گرفت که در نتیجه آتش گرفتن، باعث زنده‌زنده سوختن چهار نفر مهاجر شد و چندین تن دیگر زخمی شدند، اما دولت ایران آن‌ها را تحت توقیف قرار داد و حتا در شفاخانه نیز به آن‌ها دست‌بند زد.

موارد بالا که همه نقض حقوق بشری افراد اند، تنها قضایایی نیستند که علیه مهاجرین افغان در ایران اتفاق افتاده‌اند و می‌تواند تنها مصداق‌هایی از رفتار دولت ایران با مهاجرین افغان باشد. دولت ایران در برخورد با این قضایا پاسخ در خور یک کشور همسایه به افغانستان نداد و کوشش کرد وقت بخرد و اکثراً به ورود غیر قانونی این افراد به خاک ایران من حیث توجیه‌کننده عمل کرد خود اشاره کرده است. ورود غیر قانونی مهاجرین و پناهنده‌گان به یک کشور، دلیلی برای قتل آن‌ها و رفتار نامناسب با آن‌ها نمی‌شود. مهاجران حقوقی دارند و نباید کرامت آن‌ها زیر سوال برود یا حیات آن‌ها به خطر افتد.

بعد از اعتراض عده‌ای در کابل در برابر سفارت ایران در کابل، جلال‌آباد و هرات، وزارت خارجه ایران سفیر افغانستان در تهران را احضار کرده و به تظاهرات افغان‌ها مقابل ایران به بهانه‌ی امنیت اماکن دیپلماتیک این کشور در افغانستان، اعتراض کرده است. در حالی که انتظار می‌رفت افغانستان سفیر ایران را در کابل احضار کند و

جواب ایران را باید با دیپلماسی داد

بعد از اعتراض عده‌ای در کابل در برابر سفارت ایران در کابل، جلال‌آباد و هرات، وزارت خارجه ایران سفیر افغانستان در تهران را احضار کرده و به تظاهرات افغان‌ها مقابل ایران به بهانه‌ی امنیت اماکن دیپلماتیک این کشور در افغانستان، اعتراض کرده است. در حالی که انتظار می‌رفت افغانستان سفیر ایران را در کابل احضار کند و اعتراضش را به او ابراز دارد، برعکس ایران این کار را می‌کند. وقت آن است که افغانستان نیز از راه‌های دیپلماتیک بر ایران فشار آورد.



اما افغانستان هیچ‌گاه تسلیم آن‌ها نشده و فشارهای متحدانش را تحمل کرده است. اما حالا وضعیت تغییر کرده و نقض حقوق بشری افغان‌ها در این کشور این را می‌طلبد تا افغانستان از نگاه دیپلماتیک مقابل این کشور فعالانه عمل کند و ناراحتی‌اش را در عمل نشان دهد.

افغانستان می‌تواند در اولین اقدام در شورای حقوق بشر ملل متحد ناراحتی‌اش را به نمایش بگذارد. شورای حقوق بشر جلساتی را از ۱۵ جون آغاز می‌کند و در مورد تمدید گزارشگر ویژه به ارتباط وضعیت حقوق بشر در ایران نیز تصمیم می‌گیرد. افغانستان سال قبل به تمدید کار گزارشگر ویژه در مورد ایران رای منفی داده است، اما امسال رای مثبت افغانستان می‌تواند

اعتراضش را به او ابراز دارد، برعکس ایران این کار را می‌کند. وقت آن است که افغانستان نیز از راه‌های دیپلماتیک بر ایران فشار آورد.

در سال‌های گذشته دولت افغانستان به حساب همسایه‌گی، مسلمان بودن و هم‌فرهنگ بودن، همیشه در عرصه دیپلماتیک از ایران حمایت کرده و بر خلاف آن کشور، رای نداده است. افغانستان در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، شورای حقوق بشر، سازمان‌های تخصصی ملل متحد و سایر سازمان‌ها همیشه از ایران حمایت کرده است. افغانستان حتا در موضوعات حساس مانند دوسیه برنامه‌ی هسته‌ای ایران مقابل این کشور قرار نگرفته است. با این که کشورهایی مثل امریکا از افغانستان توقع داشتند تا مقابل ایران موضع‌گیری کند،

اصلاحات ساختاری و تشکیلاتی پولیس:

سنگ بنای امنیت اجتماعی

مصطفی حسینی

استاد دانشگاه و پژوهشگر مسایل امنیتی

بحث جدی در امر مبارزه با ناامنی در قدم نخست به وزارت داخله و منسوبان آن ربط می‌گیرد، چرا که ساختار و تشکیلات سالم، سنگ بنای امنیت اجتماعی به شمار می‌آید. از این روی، مبارزه موثر در عرصه تامین امنیت نیازمند بازنگری پالیسی و اصلاح مقرره‌ها و لوائح وظایف منسوبان این نهاد امنیتی است. چرا که در موارد زیادی دیده شده است که حفظ ضریب ناامنی و جولان‌دادن آزاد مجرمان، به خاطر عمل کرد آلوده به فساد کارگزاران و چندگانگی مدیریتی در ساختار است. چنان‌که در چند ماه اخیر وزارت داخله در پیوند به بالا رفتن گراف ناامنی تعدیلاتی در پالیسی‌های این وزارتخانه و هم‌چنین اصلاحات و تعدیلات جدی در مقرره و لوائح وظایف منسوبان آن به وجود آورده که اهدافی از قبیل کوتاه کردن پروسه‌های اداری، حذف پولیس خیالی، صرفه‌جویی در اعاشه، ایجاد مرکز خدمات عامه و تسهیلات خدمت‌رسانی برای آن برشمرده شده است. شایان ذکر است که از زمانی که تعدیل در پالیسی‌های وزارت داخله روی دست گرفته شده است، دست‌آورد‌های قابل توجهی در امنیت احساس می‌شود. یکی از اقداماتی که بر مبنای تغییرات به میان آمده صورت گرفته، مبارزه با فساد در این نهاد است. از جمله می‌توان به بازداشت ۱۴۴ تن از منسوبان پولیس با تفکیک وظیفه به جرم هم‌دستی با دشمن، فساد و سوء استفاده از صلاحیت‌های وظیفه‌ای در چند هفته‌ی اخیر اشاره کرد. هم‌چنین آمران حوزه‌های پنج و ۱۲ بر اثر غفلت وظیفه‌ای برکنار شده‌اند، چرا که در حوزه پنج مجرمان آزاد گشت‌وگذار داشته‌اند و به پولیس حمله کرده‌اند و از محل گریخته‌اند و در ناحیه ۱۲ از موترسایکل در حمله‌ی تروریستی استفاده شده است.

در ادامه‌ی اقدامات جدید، عملیات‌های تهاجمی بر شبکه‌های جرمی افزایش یافته است. طبق گزارشی که در روزهای اخیر، سخنگوی وزارت داخله اعلان کرد، در کم‌تر از یک هفته منسوبان پولیس ۱۰۳ عملیات راه‌اندازی کرده‌اند که در نتیجه ۱۹۳ تن را گرفتار کرده‌اند. افراد بازداشت‌شده در زدنی‌های مسلحانه و نظم‌شکنی‌های اخیر دست داشته‌اند. هم‌چنین در چند ماه اخیر ۴۳ عملیات را در ۱۴ ولایت علیه گروه‌های قاچاق‌پر مواد مخدر انجام داده‌اند که در نتیجه هفت موتر ضبط گردیده



و ۸۷ قاچاق‌بر بازداشت شده‌اند. در مورد جدیدی نیز یکی از قاچاق‌بران خطرناک و مشهور مواد مخدر به نام نظر، در کابل بازداشت شد.

در بخش اصلاح مقرره‌ها و لایحه وظایف حوزه‌های امنیتی، نیز نکات مثبت و امیدوارکننده‌ای مشاهده می‌شود. پیش از این، حوزه‌های امنیتی به شکلی از اشکال مسوولیت‌گریزی می‌کردند و فراتر از صلاحیت‌های‌شان عمل می‌کردند. در مقرره‌ها و لایحه‌ی جدید وظایف پولیس و حوزه امنیتی، تفکیک صلاحیت صورت گرفته است و این منسوبان حق ندارند در مسایل حقوقی مداخله کنند، یا مجرمان یا طرفین دعوا را در حوزه نگاه‌دارند. در گذشته یکی از مشکلات عمده‌ای که اکثراً به تیره یا برائت خودسرانه مجرمان توسط حوزه‌های امنیتی منجر می‌شد، نگهداری مجرمان در حوزه بود که زمینه‌ی دخالت زورمندان و برخی حلقات سیاسی را فراهم می‌کرد. طبق مقرره جدید، تفکیک وظایف صورت گرفته و حوزه امنیتی حق نگهداری و زندانی کردن مجرمان یا طرفین دعوا را ندارد و در صورت بازداشت یا درج شکایت، باید به مراجع مربوطه و بالا انتقال دهد. اصلاحات اعلان شده ضمن ایجاد تفکیک وظایف و صلاحیت‌ها، روند رسیده‌گی به جرایم و شکایات مردم را تسریع می‌کند و نوعی پاسخ‌گویی، سرعت عمل و دقت در بخش‌های اجرایی وزارت داخله به خصوص حوزه‌های امنیتی را پدید می‌آورد.

ابتکار بی‌پیشینه و ظاهراً موثری که به منظور شفافیت و پاسخ‌گویی ارائه شده، فرم شکایات و دریافت رسید از شخص ثبت‌کننده است. پیش از این اکثر شکایات در یک بروکراسی غیر شفاف و مسوولیت‌گريزانه مجال ثبت نمی‌یافت و بسیاری از افراد شاکی موفق به درج شکایت‌شان نمی‌شدند و پس از مدتی مجبور به توافق به دور از بررسی و فیصله‌های قانونی می‌گردیدند. فرم ثبت شکایات و دریافت رسید این امکان را به شخص شاکی می‌دهد که شکایت‌شان را نزد مراجع قانونی ثبت کنند. پی‌آمد مثبت آن، این است که حوزه مربوط نقش بازداشت و گزارش‌دهی را ایفا می‌کند و مجرم یا دو طرف دعوا را به مراجع مربوطه راجع می‌کند. هزینه دخالت حلقات سیاسی و زورمندان بالا می‌رود و به راحتی نمی‌توانند به نفع مجرم یا یکی از دو طرف دعوا، وارد معرکه شوند.

محدودسازی صلاحیت و نظارت بر عمل کرد حوزه امنیتی و پولیس به عنوان حلقه‌ی وصل وزارت داخله و مردم، امر نیک است و قطعاً تأثیرگذار خواهد بود، اما یکی از مشکلات وزارت داخله، نداشتن پولیس مسلکی است که با عمل کرد مسلکی و قانونی‌اش، اعتماد اجتماعی را ایجاد کند. شهروندان در بسیاری موارد به نسبت عمل کرد غلط پولیس غیرمسلکی، به محافظان نظم و امنیت بی‌باور هستند و این موضوع خودبه‌خود از همکاری مردم و پولیس جلوگیری می‌کند. در این قسمت دو برنامه میان‌مدت و درازمدت روی دست

است: وزارت داخله اعلان کرده که نیروهای جوان را جهت فراگیری آموزش‌های مسلکی به خارج از کشور فرستاده و به زودی به خدمت می‌گیرد. برنامه‌ای که در صورت پی‌گیری در درازمدت می‌تواند بر حاکمیت قانون و امنیت تأثیر فوق‌العاده‌ای بگذارد و ضریب امنیتی را افزایش دهد. اقدام دیگر ایجاد خط ارتباطی ۱۱۹ است تا شهروندان کشور بدون افشا شدن هویت‌شان بتوانند قانون‌گریزی‌ها و خراب‌کاری‌های شبکه‌های جرمی را گزارش دهند.

در سلسله اقداماتی که جدیداً روی دست گرفته شده، اقدامات پیش‌گیرانه از جرایم جنایی نظیر پاک کردن نوار شیشه‌ی سیاه موترها، جمع‌آوری سلاح بدون جواز، ضبط موترسایکل‌های بدون مجوز و برخورد جدی پولیس ترافیک با جواز موترها است که در کاهش ۳۰ درصدی جرایم جنایی سه ماه نخست امسال نسبت به گراف ناامنی سال گذشته نقش داشته است.

مثلاً سال گذشته ۶۰۰ قبضه سلاح بدون جواز جمع‌آوری شد و در چند روز اخیر، نوار شیشه سیاه ۱۰۰ واسطه نقلیه پاک و از نزد صاحبان آن‌ها تعهد گرفته شده است تا دوباره این گونه نوار را نصب نکنند. وسایلی که همیشه در کانون سوء ظن قرار دارند و ادعا می‌شود که در مواردی از رویدادهای جرمی تروریستی نقش دارند و انتقالات جنگ‌جویان تروریست، مواد مخدر، افراد مجرم، مواد انفجاری و سلاح توسط موترهای شیشه سیاه یا موترهای بدون جوازسیر صورت می‌گیرد. هم‌چنین ضبط موترسایکل‌های بدون جواز نیز اعلان و عملیاتی شده است. تعداد زیادی از ترورها و رویدادهای جرمی و تروریستی با استفاده از موترسایکل انجام می‌شود. جمع‌آوری موترسایکل‌های بی‌جواز می‌تواند به نحوی، عرصه را برای خلاف‌کاران تنگ سازد و از امکانات مجرمان و گروه‌های تروریستی بکاهد.

اگر چه بسیار زود است که در مورد اصلاحات ساختاری و تشکیلاتی در وزارت داخله به قضاوت بنشینیم اما توقع این است که این نهاد در تمام سطوح هوشمندانه عمل کند و به رفع مشکلات مردم و دفع تهدیدات از خود کفایت بیش‌تری نشان دهد. در آن صورت مردم نسبت به عمل کرد مثبت پولیس روحیه‌ی همکاری و اعتماد را می‌یابند و یک اعتماد اجتماعی و سازنده ایجاد می‌شود که امروز در کشورهای دیگر تجربه شده و بسیار موفق بوده است.

نویسنده‌ی این کتاب، مایکل باری، استاد فرهنگ اسلامی در بخش مطالعات شرق نزدیک در دانشگاه پرنتون است. او از سال ۱۹۸۰ تا اکنون به صورت مستقیم درگیر حوادث افغانستان بوده است و فراز و فرود کنش‌های سیاسی و وقایع تاریخی افغانستان، بخش قابل ملاحظه‌ای از دغدغه‌های فکری او را تشکیل داده است. کتاب «سایه‌های ماندگار کابل» با عنوان فرعی «تاملات تاریخی» که در سال ۲۰۱۱ نشر و اخیراً به فارسی ترجمه شده، درنگ مایکل باری پیرامون تاریخ معاصر و کشمکش‌های سیاسی افغانستان با منطقه و کشورهای غربی است.

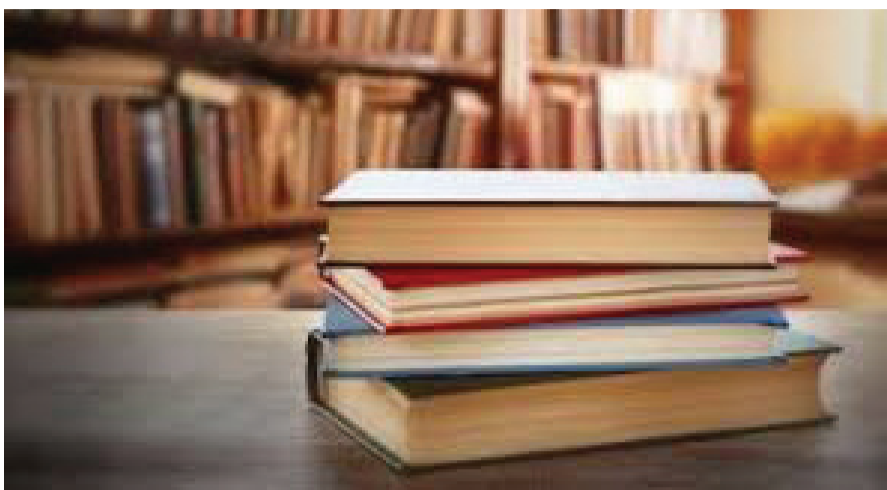
بخش بزرگ این کتاب، به گیر افتادن افغانستان در سه جنگ عمده منطقه‌ای - مشکل ارضی هند و پاکستان، جنگ سرد و جنگ ایدئولوژیک ایران و عربستان - پرداخته است. من در این یادداشت تنها به بخشی از این کتاب که به دو همسایه افغانستان - پاکستان و ایران - و نقش آن‌ها در شکل‌دهی برهه‌هایی از تاریخ افغانستان می‌پردازم و بررسی کل کتاب را به نوبت دیگری واگذار می‌کنم.

گلوگاه خیبر و نیاز به ایران

نویسنده کتاب در سال ۲۰۱۱ هنگامی که این کتاب از سوی انستیتوت خودمختاری لختنشتاین دانشگاه پرنتون به نشر رسیده است، باور داشت که حضور ایالات متحده در افغانستان به شکست سیاسی و نظامی منتهی شده است. او در این میان عوامل بسیاری - از «سیاست حضور کم‌رنگ نظامی» ایالات متحده تا جنگ عراق - را بر می‌شمارد اما یکی از عمده‌ترین دلایل این شکست را رابطه‌ی خصمانه، میان تهران و واشنگتن می‌داند. باری معتقد است که بعد از فروپاشی شوروی، کشورهای آسیای میانه راه نامطمئن‌تری برای ایالات متحده و متحدانش باقی ماند و به همین دلیل، باید از میان دو همسایه دیگر افغانستان، یکی را به عنوان معبر انتخاب می‌کرد. او سپس به شرح این که چگونه دولت بوش «در یکی از فاحش‌ترین اشتباه‌های ناشی از وطن‌پرستی بی‌موردش» دست رد بر سینه‌ی درخواست همکاری دولت خاتمی زد و به همین دلیل تدارکات نیروهای غربی باید از «تنگه‌ای به نام پاکستان» عبور می‌کرد، می‌پردازد. در این کتاب، نویسنده شرح می‌دهد، به این دلیل که پاکستان با دزد و کلک و گاه‌گاه در خفا منافع خودش که با منافع ایالات متحده در افغانستان در تضاد است، را دنبال کرد و به همین دلیل، ایالات متحده مرحله اول شکست لشکر کشی‌اش به افغانستان - شکست سیاسی - را تجربه کرد. نویسنده در ابتدای کتابش هشدار می‌دهد

«ژیوپولتیک خطرآفرین»؛

مروری بر کتاب سایه‌های ماندگار کابل



شدت زاویه‌ای» دیورند به این دلیل کشیده شد که هنگام حمله‌ی روس‌ها به کابل، «سربازان انگلیسی بتوانند توپخانه‌هایی را که با اسب‌ها کشیده می‌شد، در ظرف ۴۸ ساعت به آن‌جا برسانند تا تهاجم روسیه را در هم بشکنند» و به همین دلیل این خط همواره افغانستان را در معرض خطر قرار داده است. باری که خود بارها از این خط به گونه‌ی غیر قانونی عبور کرده است، معتقد است که نبوغ و دقت سر ماتیمیر دیورند در ترسیم این خط به شک فرورفته‌گی باعث شد تا افغانستان در رقابت میان روسیه تزاری و امپراطوری انگلیس، جنگ سرد میان شوروی آسیب‌پذیر بماند و پس از این که انگلیس از هندوستان خارج شد، این فرادستی ژئوپولتیک به پاکستان به میراث رسید و به همین دلیل، هم شوروی و هم ایالات متحده از این نقطه آسیب دیدند.

حکومت دوست وابسته

باری در فصل مرتبط به پاکستان و دیورند شرح می‌دهد که پس از این که افغانستان خلاف عضویت پاکستان در ملل متحد رای داد، چگونه پاکستان افغانستان را به عنوان تهدیدی برای منافع‌اش دید و چگونه پس از این که پاکستان به معاهدات سنتو و سیتو در ۱۹۵۴ پیوست، از سوی افغانستان بی‌طرف، احساس خطر کرد. در نبرد میان دو همسایه، پاکستان تاکتیکی که ابتدا ایالات متحده و متحدانش

که باور بدبینانه‌ی او این است که مادامی که روابط نیکو میان تهران و واشنگتن از سر گرفته نشود و از این طریق از «فشار مخرب و کشنده‌ی پاکستان بر هر سیاستی که در قبال افغانستان اتخاذ می‌شود» جلوگیری نشود، حل معضل افغانستان بعید به نظر می‌رسد. او معتقد است که پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، تمام مناطق شیعه‌نشین خاور میانه - پاکستان، عراق، بحرین، منطقه الحسای عربستان واقع در کرانه خلیج، لبنان و صد البته که افغانستان - دچار بحران شده‌اند و مادامی که تنش‌ها میان ایران و ایالات متحده حل نشود، حل معضل منطقه‌ای که برژنسکی از آن به «دایره بحران» تعبیر می‌کرد و به تبع حل معضل افغانستان، دشوار است.

سایه‌های خط دیورند

چنان که گفته شد، نویسنده هنگام تجاوز ارتش شوروی به افغانستان، با مؤسسات امداد رسانی غربی کار کرده است و فراوان از خط دیورند به شکل غیر قانونی عبور کرده؛ به همین دلیل، درک روشنی از مناطق خط دیورند دارد. او معتقد است که در دوران جنگ سرد، خط دیورند به لحاظ اهمیت با دیوار برلین پهلو می‌زد و مانند این دیوار یکی از منازعه‌برانگیزترین مرزهای آن دوران بود. او با اتکا به نوشته‌های لیون پولادا، سفیر سابق ایالات متحده در افغانستان، منطق خط دیورند را شرح می‌دهد. او معتقد است که «فرو رفته‌گی به

کاروان گیرمانده توسعه در باتلاق فکری جامعه



نیروی انسانی آگاه و تحصیل کرده برای اداره امور، توسعه و پیشرفت باشیم و از لحاظ فکری با فراهم شدن زمینه کسب تحصیل و دانش برای همه‌گان، شاهد یک تحول بزرگ فکری و به تبع آن پیشرفت و تحول در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشیم؛ اما متأسفانه با گذشت دو دهه از شروع فصل جدید، تحول عمیقی در عرصه فکری و در نتیجه آن در سایر عرصه‌ها ایجاد نشده و چرخ توسعه و تعالی به کندی در حرکت است و احساس می‌شود از تحرک بازمانده است. هرچند تأثیر سایه شوم خشونت و ناامنی را نمی‌توان نادیده گرفت، اما این خشونت، سراسری و به گونه‌ای نیست که فعالیت‌های فکری و اجتماعی که اساس تحول و زمینه‌ساز ترقی در سایر عرصه‌ها می‌باشد را صدمه زده یا متوقف

بسازد. ملتی که مصمم است تا وضعیت موجود را بر هم زده و وضعیت مطلوب را که در آن زمینه زنده‌گی آبرومندان و آزاد برای هر فرد از افراد آن مهیا باشد برقرار سازد، زمان زیادی نیاز ندارد تا با قربانی نسل‌ها به چیزی که شایسته آن است برسد، بلکه با تلاش و پشت‌کار و با ایجاد روحیه جمعی و هدف مشترک، بر موانع و مشکلات غالب آمده و سرنوشت خود را خود رقم می‌زند.

برای شکست شوروی به وجود آورد را برگرفت. این تاکتیک بر دو عنصر مبتنی است.

عصر اولی کمک به شورشیان است تا کابل را از کنترل تمام قلمرو آن ناتوان کند. عنصر دومی و مکمل، تعویض حکومت ملی‌گرا و سکولار با حکومت اسلام‌گرایی است که با منافع پاکستان هم‌سو است. نویسنده معتقد است که این تاکتیک که در جریان جنگ سرد، طرح شد، تا به حال ستون فقرات سیاست پاکستان در قبال افغانستان باقی مانده است.

بر اساس این کتاب، یکی از مؤثرترین سیاست‌های دیگر پاکستان - از زمان تاسیس آن در سال ۱۷۴۷ - برای استیلا بر افغانستان، استفاده از حس برتری‌خواهی پشتون‌ها بوده است که با آمیختن ناسیونالیسم قومی و اسلام‌گرایی، این کشور قادر می‌شود تا بزرگ‌ترین کتله قومی افغانستان را در جهت صیانت منافع خود هدایت کند. به طور مثال، نویسنده با اشاره به آموزش کودکان پشتون در زمان جنرال ضیاالحق و برجسته‌سازی موقعیت پشتون‌ها به حیث «پاسداران اسلام سنی» و هم‌چنان تأکید بر نفوس پشتون‌ها در میان آنان، شرح می‌دهد که تطبیق این اسلوب سیاسی، پشتون‌ها را در برابر دیگر اقوام افغانستان قرار می‌داد.

نویسنده معتقد است که پاکستان خواستار حکومت تحت قیمومیت خودش یا به تعبیر نرم پاکستان، «حکومت دوست وابسته» است و کلید حل بحران افغانستان، پاکستان است:

«کنفرانس‌ها و برنامه‌های بین‌المللی مملو از آمار و ارقام خیره‌کننده و اسم‌های مختصرشده‌ی سرگیجه‌آور در باب احتمال برگشت افغانستان به «حکومت داری خوب» همه در هاله‌ای از ابهام خواهد بود، مادامی که یک پرسش کانونی به جای دریافت پاسخ، نادیده گرفته می‌شود: آیا سکان‌داران ارتش همسایه‌ی بغل‌دستی، پاکستان، در ظهور دوباره‌ی افغانستان به عنوان دولت - ملت کارا همکاری می‌کنند یا خیر؟»

پاسخ او به این پرسش، کوتاه است: «احتمالاً نه». زیرا پشت پاکستان به دلیل داشتن دو متحد ژئوپولتیک دیگر، چین و عربستان سعودی، پُر است و این متحدان می‌توانند جای خالی ایالات متحده را پر کنند.

جامعه است که هنوز ما نتوانسته‌ایم و یا نخواسته‌ایم در اندیشه و تفکر خود اصلاحاتی ایجاد کنیم. فقط داعیه تعالی و پیشرفت را آرزوگونه به زبان جاری ساخته و از دیگران توقع تحقق آن را داریم. نزدیک به دو دهه فرصت داشتیم تا حداقل تفکر خود را اصلاح کرده و مسیری مشخص ترسیم کنیم تا نسل‌های آینده در سردرگمی به سر نبرده و در مسیر ترسیم شده ما برای رسیدن به پیشرفت و ترقی گام بردارند، اما متأسفانه هنوز خود در بلاتکلیفی به سر می‌بریم و نتوانسته‌ایم نکات ضعف و قوت خود را شناسایی کرده نیروی لازم انسانی را آماده کنیم تا متناسب با وضعیت موجود کشور، امر توسعه را برعهده گرفته، کشتی سال‌ها مانده در لای و گل‌مان را به ساحل نجات برسانیم. وضعیت موجود و شیوع ویروس همه‌گیر کرونا یک بار دیگر ثابت ساخت که ما ظرفیت لازم را برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایجاد نتوانسته‌ایم و حتا شاهد حضور ذهن‌های مانده در دام‌های خرافاتی و ناآشنا با اهمیت علم و دانش بوده‌ایم. حتا آن‌هایی که تحصیل کرده‌اند، با نشستن در چوکی آکادمیک و اخذ اسناد تحصیلی، نتوانسته‌اند شیوه تفکر خود را تغییر داده و ذهنیت‌های خرافاتی و سنتی خود را متحول بسازند.

از این رو لازم است بیش‌تر از پیش برای بلند سطح آگاهی و بیداری نسل نوین سرمایه‌گذاری کرده و با ایجاد ظرفیت‌های لازم برای کارگردانی امر توسعه در عرصه‌های مختلف، رسیدن به خودکفایی و توسعه اقتصادی و اجتماعی را ممکن بسازیم. برنامه‌های جامعه‌ی جهت شکل دادن به افکار عمومی آن گونه که حامی ترقی و توسعه باشند و نه مانع آن، طرح و اجرا کنیم. برخورد سیاسی و کوتاه‌اندیشانه با امور علمی و آکادمیک و بی‌توجهی به نحوه مدیریت و بهبود افکار عمومی، صدمات جبران‌ناپذیری به میان خواهد آورد و نه تنها ما را از رسیدن به اهداف ما دور ساخته که حتا نسل‌های بعدی را از نعمت رفاه و آسایش محروم می‌سازد.



عبدالحمید حسینی

شورای امنیت ملی می گوید، علی‌رغم این که گروه طالبان پس از اعلام آتش‌بس در روزهای عید سعید فطر پذیرفت که برای رسیدن به صلح پایدار برنامه آتش‌بس اعلام‌ناشده را عملی می‌کند، اما این گروه برخلاف تعهداتش خشونت را افزایش داده است. شورای امنیت ملی، باور دارد که گروه طالبان، به صلح بی‌باور است و از همین رو نه تنها که خشونت را کاهش نداده، بلکه در اکثر ولایات به افغان‌کشی نیز ادامه داده است. دفتر شورای امنیت ملی اما تصریح می‌کند که حکومت در جریان سه روز آتش‌بس و پس از آن به تعهداتش پایبند بوده و حالت دفاعی فعال را حفظ کرده تا اعتماد لازم برای آغاز گفت‌وگوهای صلح را فراهم کند.

جاوید فیصل، سخنگوی شورای امنیت ملی، روز یکشنبه، بیست‌وپنجم جوزا در یک نشست خبری مشترک با سخنگویان وزارت امور داخله و اداره مستقل ارگان‌های محلی گفت که گروه طالبان پس از اعلام آتش‌بس در روزهای عید و پس از آن خشونت را کاهش نداده و برعکس حملاتش بر مواضع نیروهای امنیتی را افزایش داده است. آقای فیصل تصریح کرد که افزایش خشونت گروه طالبان به این معنا است که آنان برای صلح تلاش نمی‌کنند و تمرکزشان بر جنگ و افغان‌کشی بوده است. او گفت که صلح یک ضرورت و خواست مطلق شهروندان کشور است. از این رو وی بیان داشت که دولت افغانستان برای اعتمادسازی و رسیدن به یک صلح دوام‌دار به تعهداتش پایبند بوده و آتش‌بس اعلام‌ناشده را نقض نکرده است.

گروه طالبان در جریان سه روز عید اعلام کردند که با نیروهای امنیتی آتش‌بس می‌کنند. این اقدام گروه طالبان با استقبال گسترده نهادهای ملی و بین‌المللی روبه‌رو شد. پس از ختم این دوره، گفته شد که آتش‌بس روزهای عید به شکل اعلام‌ناشده‌ی آن ادامه می‌یابد. گروه طالبان گفته بودند که برای رسیدن به صلح، سطح خشونت‌ها در کشور را کاهش می‌دهند. علاوه بر این در دیدارهایی

که محمدشرف غنی، رییس جمهور کشور با زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه امریکا در امور صلح و برخی دیگر از مقام‌های امریکایی داشته است، نیز روی دوام آتش‌بس اعلام‌ناشده تأکید کرده است. با این حال شورای امنیت ملی اما می‌گوید که طالبان به تعهداتشان پایبند نبوده‌اند و در روزهای آتش‌بس و پس از آن، حملاتشان به طور بی‌سابقه‌ای افزایش داشته است.

در همین حال وزارت امور داخله می‌گوید که گروه طالبان پس از امضای توافق‌نامه صلح با امریکا، حملاتش بر مواضع نیروهای امنیتی و تاسیسات ملکی را افزایش داده است. طارق آری، سخنگوی وزارت امور داخله در این نشست خبری گفت که این گروه پس از امضای توافق‌نامه صلح، حدود سه هزار و ۵۰۰ حمله را انجام داده که از این میان ۵۴۱ مورد آن انفجار ماین‌های کنار جاده و مقناطیسی و هشت مورد دیگر آن حملات انتحاری و انفجار موترهای بمب‌گذاری شده بوده است. آقای آری بیان داشت که در نتیجه این انفجارها صدها غیرنظامی «کشته و زخمی» شده‌اند. وی تصریح کرد که گروه طالبان تنها در یک هفته گذشته در ۲۹ ولایت، ۲۲۲ حمله راه‌اندازی کرده‌اند که در نتیجه‌ی آن ۴۲۲ تن از نیروهای امنیتی «کشته و زخمی» شده‌اند.

از سوی دیگر سخنگوی وزارت امور داخله وضاحت داد که این حملات شامل حمله بر نیروهای امنیتی، هدف قراردادن تاسیسات عامه و پایه‌های برق، ترور هدفمند نیروهای امنیتی در پایتخت و حمله بر عالمان دینی بوده که پس از امضای توافق‌نامه صلح

ناکلی آتش بس اعلام نشده؛

شورای امنیت ملی می گوید طالبان خشونت را افزایش داده‌اند

نقاط مختلف افغانستان، افزایش داده است. سیدشاه سقیم، سخنگوی اداره مستقل ارگان‌های محلی گفت که گروه طالبان در یک هفته اخیر ۵۱ پل را در ولایت‌های پکتیا، قندهار و پکتیکا با استفاده از ماین‌های کنار جاده، تخریب کرده‌اند. او گفت که طالبان در حالی بمب‌ها را انفجار داده و راه‌ها را تخریب کرده‌اند که مقام‌های محلی در نبرد سخت با کرونا قرار دارند و مردم آن مناطق نیز به کمک‌های جدی حکومت نیازمند اند.

در کنار این، وی تصریح کرد که گروه طالبان با استفاده از ماین، تاسیسات عامه را تخریب و حکومت‌های محلی را با چالش مواجه ساخته است. وی یادآور شد که این گروه تنها در دو ولسوالی جوزجان، یک هزار و ۵۰۰ خانواده را در یک هفته‌ی گذشته از مناطق‌شان بی‌جا کرده‌اند. علاوه بر این گروه طالبان تاسیسات برقی را در مسیر راه میدان‌وردک و هلمند آسیب رسانده‌اند که در نتیجه آن میلیون‌ها خانواده از نعمت روشنایی محروم شده‌اند.

این در حالی است که گروه طالبان گفته‌های مسوولان امنیتی مبنی بر افزایش خشونت‌ها را رد می‌کند. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی گروه طالبان به روزنامه ۸صبح گفت که جنگ‌جویان این گروه حملات‌شان بر مواضع نیروهای امنیتی را پس از امضای توافق‌نامه صلح با امریکا کاهش داده‌اند و دلیل کاهش در این حملات نیز نشان دادن حسن‌نیت طالبان برای صلح بوده است. وی افزود که این گروه به برقراری صلح متعهد بوده و از این رو حملات‌شان بر شهرها و قرارگاه‌های نظامی را متوقف کرده‌اند.

با امریکا، اجرا شده است. این در حالی است که در دو هفته‌ی اخیر مساجد بیش‌تر محور توجه گروه‌های تروریستی بوده است. در تازه‌ترین مورد روز جمعه، بیست‌وسوم جوزا یک ماین جاسازی شده در مسجد شیرشاه سوری واقع کارته چهار انفجار کرد که در نتیجه آن عزیزالله مفلح، خطیب و امام جمعه این مسجد با سه تن از نمازگزاران کشته شدند. این در حالی است که ۱۳ روز پیش‌تر از آن، در یک رویداد مشابه در مسجد وزیر محمداکبر خان در مرکز شهر کابل، ایاز نیازی، پیش‌نماز این مسجد و یک نمازگزار دیگر کشته شدند.

با این حال سخنگوی وزارت امور داخله کشته شدن عالمای دینی را وارد کردن فشار روحی به مردم و دولت افغانستان عنوان می‌کند. آقای آری گفت که گروه طالبان با ترور کردن علمای دین، می‌خواهند بر مردم عام و دولت فشار وارد کنند. او گفت: «این موج موج روانی است که طالبان می‌خواهند با ایجاد وحشت و دهشت سر روان مردم افغانستان و حکومت فشار وارد کنند. در واقع یکی از امواج تروریستی اخیر است که ممکن است در تبتانی با گروه‌های تروریستی دیگر زمینه‌سازی شود. چون چتر این خشونت‌ها را گروه طالبان فراهم کرده است، هر نوع خشونت که در آن مردم ملکی، نظامیان و علمای افغانستان هدف قرار گرفته‌اند، طالبان به عنوان چتر کلان مصون این حملات‌اند.»

اداره مستقل ارگان‌های محلی نیز بیان داشت که خشونت‌ها از جانب طالبان در ماه‌های اخیر کاهش نیافته و این گروه بر عکس، حملات تخریبی‌اش را در

میزان برخورد عقلانی مردم و چگونگی اجرای موثر سیاست قرنطین در کشور

پوهنمل میرغمان بارز، استاد دانشگاه هرات

براساس نظریه لیبرالیسم اقتصادی «محرکه جست‌وجوی نفع شخصی» و «رفتار عقلانی» دو فرضیه اساسی است که آزادی و اصالت فرد را توجیه می‌کند. انسان به طور ذاتی در جست‌وجوی نفع شخصی خود است؛ یا به عبارت دیگر جست‌وجوی نفع شخصی جزو سرشت و ذات انسان است. فرد در جست‌وجوی نفع شخصی دچار خطا نمی‌شود، چون عقل (به عنوان چراغ راه) هدایت‌گر انسان است. بنابراین محرکه نفع شخصی و رفتار عقلانی انسان ضامن آزادی وی است. اکنون این پرسش مطرح است که عدم رعایت محدودیت‌های گشت‌وگذار در طول دوران قرنطین از جانب اکثریت شهروندان افغانستان تا چه میزان عقلانی بوده است؟ چگونه می‌توان سیاست منع رفت‌وآمد در فضای عمومی را موفقانه اجرا کرد؟ در این مقال سعی می‌شود تا با تحلیلی مختصر در پرتو نظریه لیبرالیسم اقتصادی، نظریه احتمال و نظریه اقتصاد عمومی، پاسخ این پرسش‌ها دریافت گردد.

محاسبات فردی در اتخاذ تصمیم رعایت نکردن محدودیت‌های گشت‌وگذار

با آغاز دوره شیوع کرونا و اعلام سیاست قرنطین و منع رفت‌وآمد در اماکن عمومی، افراد در مقابل دو گزینه قرار گرفته‌اند: ۱: در خانه بمانند؛ ۲: به محل کار و فعالیت خویش حاضر شوند (حالت سومی‌ای وجود ندارد). با فرض این‌که رفتار انسان عقلانی است، هر فرد با محاسبه و مقایسه نفع و ضرر متوقعه، از گزینه‌های فوق می‌تواند یکی را انتخاب کند. طبیعی است که فرد عاقل همان تصمیمی را انتخاب و اتخاذ خواهد کرد که بیش‌ترین نفع و کم‌ترین زیان متوقعه را متوجه وی سازد.

براساس داده‌هایی که از جانب سکتور صحت کشور منتشر شده، فرض می‌کنیم احتمال مصاب شدن به بیماری کووید-۱۹ برای کسانی که محدودیت‌های منع رفت‌وآمد را مراعات نکرده و از خانه بیرون آیند، ۷۰ فیصد باشد. اگر (بر پایه اطلاعات منتشره سازمان صحتی جهان) احتمال مرگ ناشی از ابتلا به کووید-۱۹ به طور متوسط دو درصد باشد، حال می‌توان (بر پایه نظریه احتمال) صورت مساله را چنین طرح کرد: احتمال این‌که فرد از خانه بیرون رفته در مکان عمومی به کرونا مبتلا گردد ۷۰٪ و احتمال این‌که در نتیجه این ابتلا جانش را از دست بدهد، ۲٪ است. اکنون (طبق قاعده ضرب نظریه احتمال) حاصل ضرب این دو

(0.014=0.02X0.7) احتمال بروز خطر مرگ برای فردی است که محدودیت منع رفت‌وآمد را نادیده گرفته و از خانه بیرون می‌رود. از محاسبه فوق می‌توان نتیجه گرفت که اگر فردی از خانه بیرون رفته و سر کار حاضر شود (به استثنای کارکنان صحتی) احتمال خطر مرگ ناشی از کرونا برای او به طور وسطی ۰.۱۴ یا ۱.۴٪ خواهد بود.

در صورتی که فرد مورد نظر تصمیم ماندن در خانه را بگیرد، احتمال زیان چه‌قدر خواهد بود؟ در افغانستان ساختار بازار کار طوری ست که اکثریت مطلق افراد جامعه (بیش از ۹۰٪ نیروی کار) در «اقتصاد سایه» یا سکتور غیررسمی مصروف کار اند. افرادی که در سکتور غیررسمی فعالیت دارند، کار و درآمدشان روزانه سنجش می‌شود. به عبارت دیگر، این افراد در روزهای رخصتی عمومی هم کار و هم عایدشان را از دست می‌دهند. برخلاف سکتور غیررسمی (اقتصاد سایه)، در سکتور رسمی افراد در زمان رخصتی کار نمی‌کنند، لیکن معاش و امتیازات‌شان را دریافت می‌کنند. بخش دولت، سازمان‌های غیردولتی (اینجوها) و بعضی شرکت‌های خصوصی جزو سکتور رسمی بازار کار در کشور به حساب می‌آیند. گذشته از آن، اکثر مردم افغانستان فقیر بوده و بنیه اقتصادی و اندوخته ثروت‌شان بسیار ضعیف و ناچیز است. بنابراین، یک فرد کارگر شاید حداکثر ۶ الی ۷ روز بتواند بدون کار و عاید در خانه بماند، بیش‌تر از آن ممکن نخواهد بود؛ زیرا با شدت گرسنه‌گی و مرگ حتمی خود و خانواده‌اش روبه‌رو خواهد شد. با این واقعیت، خطر از بین رفتن برای فردی که بیش از ۷ روز در خانه بماند (با نگاه خوش‌بینانه) ۹۰ درصد فرض می‌شود. اکنون نتایج و پی‌آمدهای هر دو گزینه برای فرد تصمیم‌گیرنده مشخص شده است (مانند در خانه با احتمال ۹۰ درصد نابودی و حاضر شدن سر کار با احتمال ۱.۴ درصد مرگ ناشی از کرونا). در انتخاب یکی از این دو گزینه، عقل حکم می‌کند که فرد گزینه دوم را انتخاب کرده (1.4%>90%) و از خانه جهت کار و کسب درآمد بیرون رود. نتیجه این‌که صرف اعلام منع رفت‌وآمد برای نگهداشتن افراد در خانه، کافی نیست. سیاست قرنطین باید جامع بوده و ابعاد مختلف بحران را در نظر داشته باشد تا موفق به نگهداری افراد در خانه شود.

شیوع کرونا به عنوان «زیان عمومی»

برپایه نظریه اقتصاد عمومی، کالاها و پدیده‌ها به دو

کتگوری (خصوصی و عمومی) تقسیم می‌شوند. روش تصمیم‌گیری که در بالا (براساس فرضیه‌های نظریه لیبرالیسم اقتصادی) به کار رفته است، برای پدیده‌های خصوصی (سود خصوصی و زیان خصوصی) صدق می‌کند، ولی در مورد پدیده‌های عمومی (سود عمومی و زیان عمومی) مصداق ندارد؛ زیرا فرد در محاسبات خود تنها زبانی را که بر وی وارد می‌گردد، شامل ساخته و زیان ناشی از رفتارشان برای دیگران (جامعه) را در نظر نمی‌گیرد. روی این اساس او تنها زیان متوقعه به خودش را در نظر گرفته و تصمیم به ترک خانه و حضور در اماکن عمومی می‌گیرد. زیان عمومی برای پدیده‌هایی اطلاق می‌گردد که از خواص و ویژه‌گی‌های ذیل برخوردار باشند:

۱. منحصر به فرد «حامل/عامل» نمی‌باشد: وقتی فرد حامل/عامل زیان در فضای عمومی قرار می‌گیرد، زیان وارده برای فرد مذکور منحصر نمانده و به دیگران سرایت می‌کند؛
۲. کسانی که در معرض قرار می‌گیرند (با وجود غیرمسلح) نمی‌توانند از مبتلا شدن‌شان جلوگیری کنند؛
۳. سرایت زیان از فرد حامل/عامل به افراد ماحول، از ضرر وارده به شخص اولی نمی‌کاهد.

به طور مثال دود ناشی از مصرف سیگار یک نوع زیان عمومی به حساب می‌آید. وقتی یک فرد در فضای عمومی سیگار می‌کشد، دود حاصل از آن به افراد ماحول سرایت کرده و آن‌ها را متضرر می‌سازد و این امر از کنترل فرد مذکور خارج است - نه فرد سیگاری و نه هم افراد ماحول از سرایت آن جلوگیری کرده نمی‌توانند. بر پایه نظریه اقتصاد عمومی، برای جلوگیری از اثرات خارجی زیان عمومی (اثراتی که در محاسبات فردی شامل نمی‌شود) مداخله بخش عمومی (دولت) لازمی است. کووید-۱۹ نیز یک زیان عمومی به حساب می‌آید؛ زیرا وقتی فرد حامل این ویروس در فضای عمومی قرار می‌گیرد، این بیماری در وجود وی منحصر نمانده (چه بخواهد چه نخواهد) بلکه به دیگران سرایت کرده و آن‌ها را آلوده می‌سازد. افراد سالم حاضر در فضای عمومی که در معرض این ویروس قرار می‌گیرند، نیز از مبتلا شدن‌شان جلوگیری نمی‌توانند.

ضرورت مداخله و اتخاذ سیاست جامع قرنطین

هرگاه افراد بیماری کرونا را زیان خصوصی پنداشته و بر

مبنای محاسباتی که در ابتدا ذکر آن‌ها به عمل آمد رفتار کرده و در نهایت تصمیم به برآمدن از خانه بگیرند، شیوع بیماری شدید خواهد شد. فرض کنیم اوسط جمعیت هر خانواده افغان ۵ نفر باشد، هر فردی که در نتیجه گشت‌وگذار و حضور در فضای عمومی (به احتمال ۷۰٪) آلوده گشته و شام به خانه برمی‌گردد، ۵ نفر از اعضای فامیلش را نیز آلوده می‌سازد. به فرض این‌که فردی آن روز ۵ تن اعضای فامیل مذکور به بیرون از خانه بروند و هرکدام ۵ نفر دیگر و در مجموع (۵X۵)= ۲۵ تن را آلوده می‌سازند و به همین ترتیب الی اخیر... بنابراین، روند شیوع بیماری کووید-۱۹ بر مقیاس تصاعد هندسی سیر کرده و به زودی به اوج خواهد رسید. بر پایه نظریه اقتصاد عمومی، مداخله دولت برای جلوگیری از شدت این بیماری و اتخاذ سیاست قرنطین حتمی و ضروری پنداشته می‌شود. مگر! باید توجه کرد که صرف اعلام منع رفت‌وآمد در فضای عمومی کافی نیست و از تصمیم افراد برای ترک خانه جهت کسب وسایل معیشت جلوگیری کرده نمی‌تواند. سیاست قرنطین و منع رفت‌وآمد مردم در فضای عمومی زمانی ثمربخش بوده و نتایج مطلوب از تطبیق آن حاصل شده می‌تواند که به شکل یک «بسته جامع» که نظر گرفته شود. این بسته حد اقل باید شامل موارد ذیل باشد:

۱. وسایل تامین حداقل معیشت برای خانواده‌هایی که به اقتصاد سایه تعلق دارند تامین گردد تا آن‌ها ناچار از ترک منزل و تخطی از محدودیت‌های منع گشت‌وگذار نشوند؛
۲. در صورت تحقق مورد اول، سیاست قرنطین به گونه جبری و حتا قهری به اجرا گذاشته شود؛
۳. مراکز صحتی و درمانی به گونه درست خدمات‌رسانی کرده و افراد مبتلا را تجرید و تداوی کنند؛
۴. سیستم عرضه مواد اولیه و خدمات‌رسانی درست مدیریت شود.

با اجرای «سیاست جامع قرنطین» و منع رفت‌وآمد در فضای عمومی، مصارفی (به ویژه برای تامین معیشت جامعه بی‌بیماری) بار سیاست‌گذاران و دولت خواهد شد، ولی این مصارف بسیار کم‌تر از میزان خسارات ناشی از اوج این بیماری در جامعه خواهد بود. به یقین که با تطبیق کامل و مدیریت درست این سیاست، اوج شیوع کووید-۱۹ در کشور به تأخیر افتاده، حجم ابتلا به بیماری تا اندازه زیادی کم شده و از میزان مرگ‌ومیر ناشی از آن تا حد زیادی کاسته می‌شود.

روایتی از شفاخانهی «کووید شماره یک» هرات



محمد حسین نیکخواه

برای بازدید از شفاخانهی «کووید شماره یک» هرات، جایی که بیماران کووید-۱۹ با وضعیت وخیم نگهداری می‌شوند، راهی این مرکز درمانی شدم. شفاخانهی این مرکز کیلومتر آن‌سوتر از مرکز شهر، در حومه‌ی شرقی هرات، موقعیت دارد.

پیش از پیدا شدن سروکله‌ی کرونا، این مرکز برای درمان کودکان استفاده می‌شد و نامش «شفاخانهی اطفال شیدایی» بود، اما با همه‌گیری ویروس، برای درمان و نگهداری بیماران کووید-۱۹ اختصاص یافت.

در طول مسیر، به منطقه‌ی «شیدایی» رسیدیم، جایی که از چند سال به این‌سو، شمار زیادی بی‌جاشده‌ی داخلی، از ولایت‌های گوناگون کشور، روی زمین‌ها برای خودشان خیمه و خانه‌های گلی ساخته و ساکن آن شده‌اند.

از دحام بازار کوچک این منطقه، نظر یکی از سرنشینان موتر را جلب کرد، در حالی که راننده برای گذر از ازدحام بازار، سرعت موتر را کم کرد، چشمم به مردمی افتاد، که برای خرید و فروش، در بازار حضور داشتند.

هیچ کدام ماسک نداشتند و خبری از فاصله‌گیری اجتماعی و رعایت موارد بهداشتی برای جلوگیری از انتقال کرونا، نبود. در راه، با چند موتر انتقال مرده‌گان برخوردیم، که فوتی‌های شفاخانهی «کووید شماره یک» را انتقال می‌دادند.

ساکنان منطقه‌ی شیدایی، در حالی که رفت‌وآمد آمبولانس‌ها و موترهای انتقال اموات را مشاهده می‌کردند، بازهم هیچ اعتنایی به بیماری کووید-۱۹ نداشتند و گویی برای‌شان، غم نان، مهم‌تر از غم جان بود.

پس از حدود نیم ساعت طی کردن مسیر، وارد خیابانی شدیم که شفاخانهی «کووید شماره یک» هرات، در انتهای آن بود. با ورود موتر به این خیابان، از دور صدای تلاوت قرآن به گوش رسید؛ موتر انتقال اموات، یکی از قربانیان کرونا را، از شفاخانه به گورستان انتقال می‌داد.

به راه خودمان ادامه دادیم، مقابل دروازه‌ی شفاخانه، چند نیروی امنیتی که دست‌های‌شان با دست‌کش و صورت‌شان



با ماسک پوشانده بود، رفت‌وآمد وابسته‌گان بیماران و موترها را به داخل این مرکز درمانی زیر نظر داشتند.

از شلوغی دکان‌های خوراکی فروشی و دواخانه‌های نزدیک شفاخانه معلوم بود، کسب‌وکار کسبه‌کاران گرد و پیش آن، به دلیل حضور وابسته‌گان بیماران پررونق است. بازار خرید انواع نوشیدنی‌های سرد و نوشابه‌های انرژی‌زا، در گرمای طاقت‌فرسای روزهای پایانی فصل بهار، گرم بود.

با ورود به محوطه‌ی اصلی شفاخانه، چیزی که اول از همه توجه من را جلب کرد، تابوت‌های چوبی بود که کنار بالون‌های آکسیجن، نزدیک دروازه ورودی ساختمان شفاخانه، روی هم چیده شده بودند.

صدای بالون‌های آکسیجن، که یکی از کارمندان خدماتی آن‌ها را از اتاق بیماران، به بیرون انتقال می‌داد، سکوت حاکم بر فضا را شکست. کارمندان خدماتی، پرستاران و پزشکان، با لباس‌های «ویژه محافظتی» به اتاق بیماران رفت‌وآمد می‌کردند.

با گذشت حدود ۱۵ دقیقه از حضورمان در شفاخانه، دست‌کم سه فوتی کرونا، به بیرون انتقال داده شد. جسدها، کمی دورتر از ساختمان اصلی، در بخش

غسال‌خانه، پس از غسل و کفن توسط کارمندان خدماتی، برای خاک‌سپاری به وابسته‌گان‌شان تحویل می‌شد.

با توصیه‌ی پزشکان، به اتاق بیماران بستری و محل شست‌وشوی اموات نرفتم، برای حضور در این دو بخش، باید لباس‌های ویژه محافظتی بر تن می‌کردم، اما فراهم‌سازی شرایط حضور در این بخش‌ها، ممکن نبود.

در حال صحبت با پزشکان بودم که مردی با صدای بلند فریاد می‌زد: «در دل من را گوش کنید، شما که خبرنگار هستید، از من بپرسید که این‌جا چه خبر است!» همراه این مرد چند نفر دیگر هم، برای انتقال میت آمده بودند.

در غم درگذشت عضو فامیل‌شان، لباس سیاه بر تن کرده و عزادار بودند. محبوب حکیمی، از عالمان دین هرات، که روشن‌دل / نابینا است، چندی پیش به بیماری کووید-۱۹ گرفتار شده بود، او همراه مردان سوگوار بود و آن‌ها را به آرامش دعوت می‌کرد.

وحدید حکیمی، که مامايش در شفاخانه جان‌باخته بود، از کم‌توجهی پزشکان و کم‌بود امکانات گلایه داشت و با صدای آکنده از بغضی که در گلو داشت، چگونگی مرگ او را شرح داد و این که در بخش «مراقبت‌های ویژه/ آی‌سی‌یو» بستر کافی وجود ندارد.

مشکلات مطرح شده از سوی این مرد را، با پزشکان در میان گذاشتم، دکتر فضل‌الدین فایز، سرطیب شفاخانه، وضعیت را برایم شرح داد، که باوجود کاستی‌ها و مشکلات، آنان تلاش می‌ورزند در حد توان به بیماران رسیده‌گی کنند.

به گفته‌ی او، در بخش مراقبت‌های ویژه، تنها ۱۰ بستر برای بیماران وجود دارد، اما از میان ۲۸۰ بیمار بستری، حدود ۴۰ تن وضعیت‌شان تقریباً وخیم است و باید در بخش مراقبت‌های ویژه بستری شوند.

در کنار پزشکان، کارکنان خدماتی هم، باوجود خطر ابتلا به کرونا و سختی کار، فعالیت می‌کردند. سیداحمد، مسوول توزیع غذا برای بیماران، از این که در شرایط دشوار کنونی، برای بیماران خدمت می‌کرد، خرسند بود.

حلیمه، زن میان‌سالی که آشپز شفاخانه بود، پیش از تبدیل این مرکز برای نگهداری بیماران کووید-۱۹ در شفاخانه کودکان سرگرم کار بود، اما با انتقال شفاخانه کودکان به مرکز شهر، کارش را ترک نکرد و همچنان وظیفه‌ی آشپزی را پیش می‌برد.

سیدوحید قتالی، والی هرات، به تازه‌گی در نشستی خبری گفت، در پی رفت‌وآمدهای عیدانه، در روزهای عید فطر، شمار قربانیان کووید-۱۹ افزایش یافت.

آماري که وی ارایه کرد نشان می‌دهد، شمار افرادی که با نشانه‌های کرونا، بدون انجام آزمایش فوت کرده‌اند، افزایش یافته است.

به گفته‌ی او، طی یک‌هفته، دست‌کم ۲۸۰ تن که مشکوک به کووید-۱۹ بودند، در هرات جان‌باخته‌اند، اما بررسی برای مشخص شدن آمار دقیق جریان دارد و موارد فوتی مشکوک، هر روز از سوی قریه‌دارها، به اداره محلی گزارش داده می‌شود.

آن‌چه از بازدید شفاخانهی «کووید شماره یک» هرات دریافتم این است، که وظیفه‌ی پزشکان و کارمندان بهداشتی بسیار دشوار است، اما کم‌بود امکانات و رویه‌ی نادرست برخی وابسته‌گان بیماران و فوتی‌ها، دشواری کار را برای رزمندگان خط نخست نبرد با کرونا، بیش‌تر کرده است.

اتفاق همکاری‌ها و رونق اقتصاد و تجارت میان افغانستان و تاجیکستان

فیاض‌الدین غیاثی

اتحاد تجارتي سفارت ج.ا.ا مقیم دوشنبه، تاجیکستان

چکیده

تاجیکستان در زمره کشورهای آسیای مرکزی از جمله مهم‌ترین کشورهایی بوده است که به دلایل قرابت‌های تاریخی، فرهنگی و داشتن مرز طولانی از سالیان متمادی مورد توجه افغانستان بوده است.

بعد از مرزبندی میان افغانستان نوین و جمهوری اتحاد شوروی وقت (روسیه تزار) با آن که هزاران خانواده هم‌زبان از نگاه مرزی از هم جدا شدند، اما بنا بر وابستگی‌های خانواده‌گی و پیوندهای ناگسسته روابط میان مردم تاجیک جماهیر شوروی وقت و افغانستان حفظ بوده و همواره در همه عرصه‌ها با هم دست یاری رسانده‌اند.

هنگام شروع روابط دو کشور بعد از استقلال، از یک‌سو تاجیکستان با بحران‌های جنگ شهروندی و مشکلات سیاسی و اقتصادی روبه‌رو گردید، از سوی دیگر ظهور حکومت افراطی طالبان در اکثر مناطق افغانستان بر روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دو کشور اثر منفی گذاشت که البته دولت وقت افغانستان با ایجاد تحول در رفتار و موضع‌گیری‌های سیاسی و فرهنگی خود ضمن پیشنهاد برای ایجاد صلح و رفع جنگ داخلی تاجیکستان به روابط اقتصادی بر اساس ظرفیت‌های آن کشور اولویت‌بندی کرد.

نگارنده کوشیده است تا تعاملات اقتصادی و تجارتي بین دو کشور را در این مقاله بررسی کند.

واژه‌گان کلیدی: افغانستان، تاجیکستان، تعاملات اقتصادی و تجارتي

مقدمه:

کارشناسان امور اقتصادی بدین باور اند که در عصر حاضر داشتن روابط تجاری میان همسایه‌گان در بحث

آن‌چنان که پس از استقرار صلح در هر دو کشور، به ویژه از سال ۲۰۰۲ به بعد، ده‌ها فقره توافق‌نامه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان مقامات عالی این دو کشور به امضا رسیده است، این مقاله کوشیده است تا روند اقتصادی و چشم‌انداز آینده روابط افغانستان و تاجیکستان به طور عموم و تعاملات فزاینده اقتصادی دو کشور را در دو دهه پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست‌ویکم و چشم‌انداز آینده آن را به صورت یک پژوهش بررسی کند.

زمینه‌های تعامل اقتصادی افغانستان و تاجیکستان: جمهوری تاجیکستان بنا بر وابستگی به ساختار اقتصادی و کمک‌های مالی شوروی وقت بعد از استقلال در ابتدا با مشکلات فراوانی روبه‌رو شد، بدین اساس دولت و ملت تاجیک را به تلاش گسترده‌ای برای یافتن شرکای تجارتي در میان کشورهای همسایه دور و نزدیک در منطقه واداشت. در این زمینه افغانستان که با داشتن ویژه‌گی‌های جغرافیایی و مسیر ارتباطی مناسب برای پیوند میان تاجیکستان با کشورهای آسیای جنوبی و سایر نقاط جهان از بهترین شرایط برخوردار می‌باشد، جذابیت خاصی یافت. بنا بر این با توجه به محصور بودن این کشور به خشکی و امکان استفاده از مسیر افغانستان برای دسترسی به بازارهای جهان به خصوص برای انتقال انرژی مانند نفت و گاز از ایران و کشورهای دیگر منطقه و نیز موقعیت ویژه جغرافیایی افغانستان شرایط مناسبی را برای این کشور رقم زده است زیرا این مسیر بهترین و به‌صرفه‌ترین مسیر برای جمهوری تاجیکستان

تجارت خارجی کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا از یک‌سو با کوتاه‌کردن فاصله‌های جغرافیایی در تجارت خارجی، هزینه‌های تجارتي کاهش می‌یابد، چراکه در بسیاری موارد، میزان صرفه اقتصادی در تجارت در رابطه معکوس با فاصله جغرافیایی قرار دارد؛ از سوی دیگر افزایش مبادلات تجاری و اقتصادی به معنای گره‌خوردن سایر تعاملات شامل تعاملات سیاسی و حتا امنیتی است و این یعنی دو چند شدن اهمیت مراودات تجارتي و اقتصادی میان همسایه‌گان به افزایش تعاملات در ابعاد سیاسی و امنیتی منجر می‌شود. کشورهای بزرگ اقتصادی چون جمهوری خلق چین، جرمنی، هند و برخی کشورهای دور و نزدیک در این امر پیش‌قدم بوده‌اند و بزرگ‌ترین مبادلات تجارتي این کشورها با همسایه‌گان‌شان می‌باشد.

افغانستان و تاجیکستان دو کشور همسایه‌اند و نوع روابط و سطح همکاری‌ها میان این دو کشور از جهات مختلف قابل بحث و بررسی است. سطح همکاری‌های اقتصادی و تجارتي میان افغانستان و تاجیکستان در سال‌های اخیر توأم با فرصت‌ها و چالش‌ها بوده است و یکی از نقاط مهمی که در این نوشته به آن اشاره شده است، این است که چگونه و با کدام راه‌کارها می‌توان چالش‌ها را به فرصت‌ها بدل کرد. این دو کشور روابط و همکاری فرهنگی‌شان از سال ۱۹۹۲ به تدریج به روابط و تعامل اقتصادی و تجارتي متحول گردیده است.

صفحه آرایی: رضا مرادی و عبدالواسع
مسوول رسانه‌های اجتماعی: نورعلی فرحت
ویدیو: حسن آذرمهر
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۸۷۹۹
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان
نشانی دفتر کابل: جاده شیرپور، ناحیه دهم، کابل، افغانستان
صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸ صبح است. سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

۸ صبح
روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا

ساحب امتیاز: سانجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
مدیرمسوول: سانجر سهیل sanjarsohail@yahoo.com
معاون مدیرمسوول: وحید پیمان s.wahid.payman@gmail.com
خبرنگاران: خلیل اسیر، علی‌شاه حقمیل، عبدالاحمد حسینی، حبیب بهش، سیدحسن حسینی و محمدحسین نیک‌خواه
ویراستار: علی نظری، س.نونین

Publisher: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Editor-in-Chief: Sanjar Sohail, sanjarsohail@yahoo.com
Facebook.com/8am.af
Youtube.com/HashteSubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.af_official
www.8am.af



افق همکاری‌ها و رونق اقتصاد و تجارت میان افغانستان و تاجیکستان

همکاری‌های اقتصادی و تجارتي میان افغانستان و تاجیکستان

افغانستان و تاجیکستان با وجود روابط در ابعاد گسترده، در بخش‌های اقتصادی، تجارت و ترانزیت، همکاری‌های نزدیک و همه‌جانبه دارند. در طی ۲۰ سال اخیر رهبران دو کشور بارها در افغانستان و تاجیکستان با هم دیدار کرده‌اند و تفاهم‌نامه‌های همکاری به امضا رسانیده‌اند که به چند مورد مهم آن در زیر اشاره شده است.

۱. مناسبات تجارتي میان دو کشور در دو دهه اخیر و راه‌کارها و ظرفیت‌های گسترش آن در سال‌های آینده.
۲. اهمیت پروژه‌های منطقه‌ای برای دو کشور (فرصت‌های سرمایه‌گذاری مشترک و چالش‌ها فراراه توسعه تجارت).
۳. اهمیت ترانزیت و استانداردسازی سیستم ترانسپورتي در توسعه تجارت و رونق اقتصادی دو کشور.
۴. ایجاد پل‌های موثر رو، روی دریای آمو
۵. ایجاد بازارچه‌های مشترک سرحدی

۱. مناسبات تجارتي میان دو کشور در دو دهه اخیر و راه‌کارها و ظرفیت‌های گسترش آن در سال‌های آینده.

تجارت بین افغانستان و تاجیکستان قبل از استقلال این کشور یعنی در زمان حاکمیت نظام شوروی به صورت نسبی وجود داشت و ضروریات اولی ساکنان مناطق سرحدی افغانستان مرفوع و تجهیزات نظامی از طریق مرزهای تاجیکستان فراهم می‌گردید. این معاملات تجارتي در زمان جنگ‌های تحمیلی داخلی افغانستان و شروع جنگ شهروندی در تاجیکستان کاهش یافت و به خصوص در زمان رژیم طالبان که صفحات شمال تحت حاکمیت دولت وقت افغانستان قرار داشت و جنگ‌های تحمیلی با حمایت مستقیم برخی کشورهای دور و نزدیک همراه بود، روابط اقتصادی و تجارتي دو کشور به پایان‌ترین سطح آن رسید. هر چند نمی‌توان نقش حکومت جمهوری تاجیکستان را در حمایت از جنبش مقاومت ملی افغانستان و قلمرو تاجیکستان را در اكمال مواد لوژستیکي و فراهم‌سازی تجهیزات نظامی دولت افغانستان به رهبری شهید برهان‌الدین ربانی، رییس جمهور وقت افغانستان و شهید احمدشاه مسعود قهرمان ملی کشور نادیده گرفت. بعد از سال ۲۰۰۱ میلادی و روی کار آمدن دولت اسلامی - انتقالی در افغانستان، جمهوری تاجیکستان در کنار سایر کشورها برای تقویت سیستم‌های انکشافی افغانستان در حد توان پیش‌قدم شده و فعالیت‌های تجارتي بین دو کشور از سر گرفته شد. در دو دهه اخیر مناسبات اقتصادی و تجارتي بین دو کشور به سطح قابل ملاحظه گسترش یافت و به اساس مقایسه آمار و اقلام تجارتي در دوره‌های مختلف تا ۸۰ برابر افزایش داشته است.

مهم‌ترین اقلام تجارتي میان دو کشور در دو دهه پسین:

- فروش برق به افغانستان (۵۰-۶۵ میلیون دالر).
- صادرات سمنت (۱۰-۱۵ میلیون دالر).
- میوه‌جات خشک از قبیل پسته، بادام، مغز زردآلو و گولینگ (به ارزش‌های متفاوت در سال‌های گذشته)

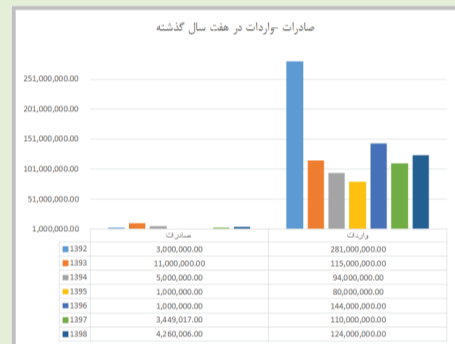
صادرات افغانستان به تاجیکستان شامل محصولات ذیل است:

- نوشابه‌های غیرالکلی
- محصولات زراعتی مانند سبزیجات و میوه‌های تازه و خشک و محصولات صادرات مجدد مانند گوشت مرغ، نوشابه‌های غیرالکلی، محصولات فاسدشونده و غیره بوده است.

صادرات - واردات افغانستان و تاجیکستان

معلومات نشان می‌دهد که صادرات افغانستان بین سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۷ فراز و نشیب‌هایی داشته است.

شماره	سال مالی	صادرات به تاجیکستان	واردات از تاجیکستان	تفاوت (صادرات منهای تجارت)
۱	۱۳۹۲	۳	۲۸۱	-۲۷۸
۲	۱۳۹۳	۱۱	۱۱۵	-۱۰۴
۳	۱۳۹۴	۵	۲۴	-۱۹
۴	۱۳۹۵	۱	۸۰	-۷۹
۵	۱۳۹۶	۱	۱۲۴	-۱۲۳
۶	۱۳۹۷	۶۶	۲۳	۴۳
۷	۱۳۹۸	۴۴۰	۱۲۴	۳۱۶



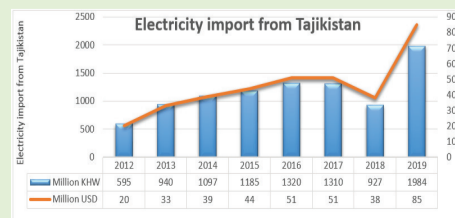
۲- اهمیت پروژه‌های منطقه‌ای برای دو کشور (فرصت‌های سرمایه‌گذاری مشترک و چالش‌ها فراراه توسعه تجارت).

افغانستان بعد از سال ۲۰۰۱ با کمک‌های بشر دوستانه جامعه‌ی جهانی توانسته است در بخش زیربنای به پیش‌رفت چشم‌گیری دست یابد. افغانستان و تاجیکستان با داشتن طولانی‌ترین مرز مشترک در منطقه فرصت‌های زیادی را برای توسعه پروژه‌های منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری‌های مشترک در این بخش‌ها ایجاد کرده است. امضای تفاهم‌نامه همکاری‌های سرمایه‌گذاری در سال ۲۰۱۴ یکی از راه‌کارهای عملی همکاری‌های مشترک در این عرصه می‌باشد.

دریای آمو و پنج که از کوه‌های پامیر افغانستان و تاجیکستان سرچشمه می‌گیرد و قسماً مرز مشترک آبی را شکل داده است، برای تاجیکستان منابع مهم آبی بوده، در صورت استفاده از این منابع که قرار است هفت بند برق بالای آن از جانب تاجیکستان ساخته شود، حدود هشت‌هزار هکتار زمین در طرف افغانستان را آبیاری و مردم مناطق مرزی را از نعمت برق برخوردار می‌سازد، در صورتی که پروژه‌های انرژی‌تیکی و آبی در تفاهم هر دو کشور احداث و ایجاد گردد برای هر دو کشور دارای اهمیت خاص می‌باشد.

طرح «یک کمربند، یک راه» که افغانستان و تاجیکستان نیز در جمع کشورهای ایران، قرغیزستان و چین شامل این طرح‌اند، در صورت تحقق آن برای تاجیکستان و افغانستان از اهمیت والایی برخوردار است. افغانستان یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کننده‌گان برق تاجیکستان است و در آینده مسیر خط ترانزیت برق نیروگاه راغون CASA ۱۰۰۰ تاجیکستان به پاکستان از همین مسیر می‌گذرد که سالانه میلیون‌ها دالر به عواید تاجیکستان و افغانستان تزریق می‌شود.

واردات برق از تاجیکستان از ۲۰۱۲-۲۰۱۹



۳- اهمیت ترانزیت و استانداردسازی سیستم ترانسپورتي در توسعه تجارت دو کشور

افغانستان مسیر ترانزیت کالای تجارتي تاجیکستان به مارکیت‌های بزرگ کشورهای آسیای جنوبی و جنوب شرقی (هند و پاکستان و کشورهای عربی) است. سالانه هزاران تن محصولات زراعتی تاجیکستان از قبیل پنبه، میوه‌ی تازه و خشک از طریق خاک افغانستان به این کشورها صادر می‌گردد که باعث افزایش عواید و اشتغال زایی در افغانستان و تاجیکستان شده و به اهمیت جایگاه افغانستان برای تاجیکستان نظر به دیگر کشورهای همسایه افزوده است.

خط آهن سه‌جانبه (تاجیکستان، افغانستان و ترکمنستان)، تاجیکستان را از مسیر افغانستان به راه لاجورد که از ترکمنستان گذشته، به جورجیا و ترکیه و الی اتحادیه اروپا وصل می‌نماید با عملی شدن این پروژه تاجیکستان را از طریق زمین به بندر آقینه وصل می‌نماید که در توسعه اقتصادی این دو کشور نقش سازنده ایفا می‌کند.

خط آهن پنج جانبه (تاجیکستان، ایران، افغانستان، چین و قرغیزستان) تاجیکستان و افغانستان را به بازارهای بزرگ کشورهای منطقه وصل می‌نماید که این مسیر در کاهش قیمت ترانسپورت اموال تجارتي مهم بوده برای تجار و دولت‌های افغانستان و تاجیکستان سود هنگفت داشته به کاربایی و زدودن فقر کمک شایانی می‌کند.

کریدر کابل چین که افغانستان را از طریق بدخشان تاجیکستان به چین وصل می‌نماید در انتقال محموله‌های صادراتی افغانستان که اکنون از طریق کریدر هوایی انتقال داده می‌شوند در کاهش مصارف ترانسپورتي کمک می‌کند. در صورت عملی شدن این مسیر، هزاران تن سنگ تلیک افغانستان و محصولات زراعتی این کشور به چین انتقال داده می‌شود که برای بخش ترانسپورت تاجیکستان و اشتغال‌زایی سودمند خوانده شده است.

در پهلوی راه لاجورد، از طریق ترکمنستان، چابهار از طریق ایران و هم‌چنان راه ازبیکستان توافق‌نامه دوجانبه ساخت راه آهن قرغان‌تپه شیرخان بندر، فرصت دیگری برای توسعه ترانزیت و تسهیلات تجارتي از پروژه‌های مهم دیگر برای افغانستان و تاجیکستان می‌باشد.

۴. پل‌های هوایی بالای دریای آمو

تاجیکستان در همکاری نزدیک با دولت افغانستان و مؤسسات بین‌المللی از جمله مؤسسه آغاخان، شش پل بالای دریای آمو ساخته است که این پل‌ها در توسعه تجارت و ترانزیت و هم‌چنان روابط مردم با مردم موثر واقع شده است. نظر به معلومات گمرک سرحدی شیرخان بندر سالانه حدود بیش‌تر از شش هزار و ۲۰۰ واسطه از این مسیر میان دو کشور رفت‌وآمد دارد.

۵. بازارچه‌های مشترک

بازارچه‌های مشترک سرحدی که از سال ۲۰۰۷ به بعد در مناطق اشکاشم، شغنان و نسی درواز ایجاد شده است و فعالیت‌های‌شان را یک روز در هفته انجام می‌دهد، تجارت سرحدی را گسترش داده است. طبق آمار گمرکات سرحدی، هفته‌وار تا حدود مبلغ ۷۰ تا ۸۰ هزار دالر امریکایی میان ساکنان دو سوی دریای آمو در هر بازار دادوستد صورت می‌گیرد. این بازارچه‌ها در فقرزدایی، دست‌رسی مردم منطقه به مواد اولی، نیازمندی‌های‌شان را رفع ساخته است و به رفاه و آسایش مردم کمک شایانی کرده است. این بازارچه‌ها بیش‌تر از یک سال می‌شود بنا بر دلایل مختلف از جمله ناامنی بسته‌اند که بسته ماندن‌شان به مشکلات مردم افزوده است.

چالش‌ها فراراه توسعه تجارت میان دو کشور

با وجود توسعه اقتصادی و تجارتي میان دو کشور در دو دهه اخیر مشکلات و چالش‌های زیادی نیز در این زمینه وجود دارد که به چند نمونه آن در ذیل اشاره می‌گردد:

۱. نبود روابط تجارتي مدرن: در دنیایی امروزی تجارتي میان کشورها مدرنیته شده است و انتقال پول تاجران معمولاً از طریق بانک‌ها و انستیتوت‌های مالی انجام می‌گردد، اما در این زمینه هنوز دو طرف به شکل حواله‌های غیر معیاری معاملات پولی‌شان را اجرا می‌کنند و باید از شکل حواله بیرون شود و به طریق رسمی و از طریق بانک‌ها انتقال شود تا تاجران دو کشور از مصونیت سپرده‌های‌شان مطمئن باشند.
۲. قوانین سخت‌گیرانه: بعضی قوانینی که در افغانستان و تاجیکستان وجود دارد، واقعاً سخت‌گیرانه و بسته است و برای تجارتي آزاد در دنیای امروز جواب‌گو نیست.
۳. بالا بودن تعرفه‌های گمرکی و مالیاتی: از این که دو کشور تولیدات مشابه دارند، اما بعضی از محصولات فصلی رسیدن‌شان حدود یک تا دو ماه تفاوت دارد، باید تعرفه‌های ترجیحی جهت دادوستد بیش‌تر میان دو کشور در نظر گرفته شود. با آن که هر دو کشور عضو «WTO» هستند، باید در این موارد مطابق تعهدات طرفین جهت آوردن تسهیلات تجارتي و کاهش تعرفه‌ها توجه بیش‌تر صورت گیرد.
۴. چالش‌های امنیتی در مناطق سرحدی: با وجود مشکلات امنیتی، با کم‌توجهی به عرصه‌ی تجارتي و اشتغال‌زایی به این مشکلات افزوده شده است.
۵. ندادن ویژه برای تاجران و سرمایه‌گذاران افغان به صورت درست؛ با آن که در دو سال اخیر سهولت‌های بیش‌تر در این زمینه ایجاد شده است، اما این بسنده نبوده و نیاز است افغانستان شامل سیستم آن‌لاین ویژه جمهوری تاجیکستان گردد.
۶. موجودیت بازار سیاه و نبود مکانیسم درست جهت دادوستد تجارتي

پیشنهادها:

۱. گسترش همکاری‌های بانکی میان بانک‌های دولتی و خصوصی دو کشور
 ۲. بازنگری بعضی قوانین مانند عبور و مرور وسایط، سیر و سفر و ایجاد خط‌السیر ترانسپورتي مطابق توافق‌نامه‌های موجود
 ۳. تنظیم تعرفه‌های ترجیحی و موافقت‌نامه‌های دوجانبه جهت ایجاد تسهیلات گمرکی و تطبیق پروتوکل تبادل اطلاعات گمرکی
 ۴. ایجاد سهولت جهت فعالیت ۲۴ ساعته بندر شیرخان به روی تجار و مسافران،
 ۵. ایجاد تیم کاری در بخش‌های امنیت سرحدات جهت جلوگیری از تهدیدات امنیتی مرزهای دو کشور،
 ۶. ایجاد سهولت در ارائه‌ی ویژه به اتباع افغانستان، به خصوص به تاجران افغان توسط سیستم آن‌لاین،
 ۷. ایجاد تسهیلات ویژه ترانزیت کوتاه‌مدت برای ساکنان مناطق سرحدی در ولایات تخار، کندز و بدخشان افغانستان جهت عبور و مرور از مسیر شاهراه تاجیکستان
 ۸. و ایجاد بازارهای مشترک و نمایشگاه‌های دائمی در افغانستان و تاجیکستان و هم‌چنان توسعه‌ی بازارچه‌های میان‌مرزی.
- منابع:
- فراتر از مرزها www.faratarazmarzha.com
 - ریاست ع.گمرکات ج.ا. www.custom.gov.af
 - www.custom.tj
 - www.bbc.com
 - www.khamapres.com
 - www.8am.com
 - ریاست برشنا ج. ا.